

چراغ
CHERAGH

۴۶

شانزدهمین
پیش شماره ماهانه
اردیبهشت ماه ۱۳۸۵

همجنسگرایی شُدنی نیست ،
ما همجنسگرا بوده ایم . . .

تقديم به شما

سرمقاله

روشننگری جنسی به مثابه فعالیتی روشنفکرانه

همجنسگرایی در گذر ادبیات فارسی

بزرگترین واقعه تاریخی جهان

اقلیت آزادی خواه و اکثریت رفاه طلب

پیروزی اخلاق بودیسم و غفلت رهبران جهان اسلام

مردم خربزه خوردند، پای لرزش هم می نشینند

شیرین عبادی و معافیت سربازی همجنسگرایان

فوتبال و آشتی با دیگران

همجنسگرایان شجاعانه به اتحاد دنیا درمیایند

دریچه

کشتار همجنسگرایان

چگونگی بررسی و ارائه راه حل برای گی ها

از رنجی که می بریم: بی معرفت

سازمان **PGLO** در نمایشگاه پاریس

شرم

مشاوره برای همجنسگرایان ایرانی در آلمان

پای صحبت های آرین ورجاوندی

چرند و پرند

فرآورده های ضد هموروئید

حداد عادل و فیلمی از همجنسگرایان

پیام سازمان **PGLO** به کنفرانس جهانی ایلگا

رفتارهای فرهنگی همجنسگرایان ایران و امریکا

تازه های خواندنی

نظرخواهی

تماس با ما

اینجا هم همینطور

پیرمرد روی نیمکت نشسته بود و

کلاهش را روی سرش کشیده بود و

استراحت می کرد. سواری نزدیک شد و

از او پرسید: ای پیرمرد! مردم این شهر

چه جور آدمهایی اند؟

پیرمرد پرسید: مردم شهر تو چه جورند؟

گفت: مزخرف

پیرمرد گفت: اینجا هم همینطور

بعد از چند ساعت سوار دیگری نزدیک

شد و همین سوال را پرسید. پیرمرد باز

از او پرسید: مردم شهر تو چه جورند؟

گفت: خوب، مهربانند.

پیرمند گفت: اینجا هم همینطور

نشریه ی فرهنگی اجتماعی چراغ

صاحب امتیاز: سازمان **PGLO**

ویراستار: نیما

طراح روی جلد: امیر حسین

شانزدهمین پیش شماره: اردیبهشت ماه ۸۵

آدرس وب سایت: www.pglo.net

پست الکترونیکی: editor@pglo.net

استفاده از مطالب این نشریه با ذکر منبع آزاد است

آرشام پارسی - عضو گروه سردبیری



سال نو را در حالی آغاز کردیم که یک سال دیگر از رشد فعالیت های گروهیمان می گذرد. در این سال با برگزاری مراسمی در نفی سنگسار و هوموفوبیا برگزار شد و در مورد اعدام های مشهد و گرگان و ... اقدامات به جا و با قوتی انجام شد و موجب شد که نوای دادخواهی همجنسگرایان ایرانی به خارج از مرزهای کشورمان کشیده شود. نامه به آقای خاتمی رئیس جمهور وقت که اواخر دوره دوم را به پایان می برد و پس از آن رئیس جمهور اصول گرا آقای احمدی نژاد که لرزش شدیدی بر پیکره ی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی رو به

اصلاح ایران وارد آورد. فعالیت های سال گذشته همچون حضور در جلسات بین المللی و عضویت در ایلگا (جمعیت جهانی همجنسگرایان) و ایجاد همکاری با سازمان ملل متحد، کمیسیون بین المللی حقوق بشر همجنسگرایان، سازمان دیده بان حقوق بشر، سازمان عفو بین الملل و دیگر سازمان ها و نهادهای مدافع حقوق انسان ها موجب گشت که نقاط فشار بیشتری برای لابی و گفتگو در مورد همجنسگرایان ایرانی ایجاد شود.

سال گذشته با هدف ثابت کردن پایگاه های فعالیت در خارج از ایران سالی نسبتا موفق ارزیابی می شود و حکومت ایران را از قابلیت جنبش اقلیت های جنسیتی آگاه کرد. واکنش هایی همچون نامه آقای خامنه ای به کنفرانس حج و اشاره به موضوع قانونی کردن همجنسگرایی در معیارهای حقوق بشر غرب و وارد شدن بحث همجنسگرایی در سخنرانی ها و خطابه ها دست آورد همین فعالیت است.

سال جاری سال آگاهی اجتماعی نام گرفته است، در این راه رفتارهای خشونت بار گروه های تند رو مذهبی، حکومتی و هوموفوبیک پیش بینی می شود اما این نباید باعث ریزش نیرو شود و یا این انتقاد را به وجود آورد که اگر آگاهی اجتماعی نبود همجنسگرایان آرامش خاطر بیشتری داشتند و راحتتر به زندگی مخفی خود ادامه می دادند. باید جامعه ایران را از وجود چنین اقلیت های اجتماعی آگاه کرد. چونکه تنها راه مقابله با هوموفوبیا - ترس ناشی از بی اطلاعی - آگاهی رسانی است و تنها از این راه می توان به مقابله با جهل گسترده شده در کل جامعه ایرانی به مبارزه ادامه داد.

در چند هفته گذشته با شایعاتی مواجه شدیم که بر این پیش بینی ها مهر تایید می زند و حاکی از آن است که افراد مخالف همجنسگرایی تلاشی را آغاز

کردند که شک و شبهه ایجاد کرده و اختلاف و سوتفاهم هایی ما بین فعالین حقوق همجنسگرایی ایجاد کنند و این شبکه در حال تشکیل "اتحاد اقلیت های جنسیتی" را متلاشی کنند زیرا که از اتحاد و یکسویی و دست در دست هم گذاشتن هراسان هستند.

در سال جاری و با یک ساله شدن نشریه چراغ تصمیم گرفتیم که با قدرت و تمرکز بیشتری دومین سال نشریه را آغاز کنیم و آن ایجاد یک گروه سردبیری برای نشریه می باشد که با اتکا به نظرات دیگر دوستان در جهت جامعیت بخشیدن و ارتقای سطح فرهنگی و زیبایی نشریه کوشا باشیم. در این راستا اقداماتی نیز صورت گرفته است که در شماره های آینده تقدیم حضورتان خواهد شد. این بدین معنا نیست که با تقسیم کار مسولیت ها را کاسته باشیم بل با این هدف فعالیت های گروهی و جمعی را تقویت کرده و در رشد و گسترش آگاهی اجتماعی تلاشی دوچندان خواهیم کرد.

به دلیل بروز پاره ای از مشکلات آدرس سایت سازمان

همجنسگرایان ایرانی تغییر کرد. کلیه همکاران ما تنها از

آدرس ایمیل سازمانی خود استفاده می کنند

www.pglo.net

...@pglo.net



21 APRIL 2006

HAPPY BIRTHDAY

اولین سالگرد انتشار نشریه همجنسگرایان ایرانی
مبارک باد

پیرنگ

۳۱ فروردین ماه ۱۳۸۵



سازمان همجنسگرایان ایرانی
Persian Gay & Lesbian Organization
www.pglo.org

روشنگری جنسی به مثابه فعالیتی روشنفکرانه

شاهرخ رئیسی - دبیر فرهنگی و عضو گروه سردبیری



همکاری من با سازمان همجنس گرایان ایرانی در تابستان سال ۲۰۰۵ با ارسال مطلبی کوتاه درباره "خشونت در فرهنگ ایرانی" به دفتر روابط عمومی سازمان آغاز شد. این مطلب بعدها توسط همکار ارجمند پیام شیرازی در نشریه اینترنتی چراغ منتشر شد. از همان موقع من هر هفته با اشتیاق برنامه های رادیویی سازمان را دنبال می نمودم و نشریه اینترنتی چراغ را مطالعه می کردم. پیش از آن من هومان و چند وبلاگ شخصی را می شناختم که به جنسیت و مسائل همجنس گرایان می پرداختند، آشنایی با سازمان همجنس گرایان ایرانی و رادیو و نشریه خود اما

حادثه ای در زندگی ام بود. اینکه سرانجام سازمان ایرانی تاسیس شده است که بی هیچ سمت و سوی سیاسی و ایدئولوژیک، در جهت جنبش برابر خواهی همجنس گرایان و دفاع از حقوق گی ها، لزبین ها، بای سکسوالها و ترانس جندرها قدم بر می دارد، برایم بسیار قابل احترام و تحسین برانگیز بود.

ارتباط من به این طریق با سازمان حفظ شد تا در مارس ۲۰۰۶، که قصد برگزاری سمینار ۳ روزه از "همجنس بازی" تا "همجنس گرایی" را در دانشگاه فرانکفورت داشتم، از حمایت همه جانبه سازمان همجنس گرایان ایرانی برخوردار شدم. ارتباط ما پیوسته تر شد تا سرانجام در اوایل آپریل ۲۰۰۶، من به عنوان دبیر امور فرهنگی و نماینده سازمان در آلمان انتخاب شدم.

دریافت این مسئولیت خطیر برای من از دو جنبه حائز اهمیت است: نخست این افتخار را پیدا کرده ام که بتوانم دوشادوش سازمانی با کیفیت فرهنگی و علمی بالا، در جهت آگاه سازی و روشنگری جنسی و دفاع از حقوق اقلیتهای جنسی گام بردارم و دوم اینکه فرصتی بدست آورده ام تا بتوانم به هدف متحد ساختن همجنس گرایان ایرانی و دفاع از حقوق انسانی و قانونی آنها در کشور آلمان عملاً فعالیت کنم.

در پی این هدف تا چندی دیگر مرکزی برای مشاوره دانشجویان و پناهجویان همجنس گرا به وجود خواهم آورد تا در آنجا از نزدیک با دیگر زنان و مردان همفکر و هم احساسم آشنا شوم. بسیاری از پناهجویان همجنس گرای ایرانی در سالهای اول اقامت در کشور آلمان، به علت ندانستن زبان بیگانه و عدم دسترسی به اینترنت یا مشاوره مطلوب، به کنج عزلت و گوشه خاموشی کشیده می شوند. این حاشیه نشینان اجتماع آلمان حتی از گرایش جنسی

خودشان نیز وحشت دارند و به درستی نمی دانند چیست! و چگونه باید آنرا در مقابل دادگاه آلمان مطرح کنند. بسیاری از دختران و پسران همجنس‌گرای ایرانی تحت تاثیر سرکوب‌ها، اختناق‌ها، تحقیرها، کتبه فکری‌ها و سانسورهای بیرونی و درونی که عمدتاً از طریق نزدیکان و فامیل و دوستان عمری بر آنها اعمال شده است، دچار مشکلات روحی بسیار شده‌اند، مشکلاتی از قبیل افسردگی، مشکل سازگاری با محیط، چندپارگی شخصیتی، سردرگمی در یافتن هویت جنسی و غیره. اینها مسائلی هستند که همه ما کم و بیش در زندگی درونی خود تجربه کرده ایم.

دفتر ما در فرانکفورت آلمان با بهترین مشاوران و پزشکان و وکیلان ایرانی و آلمانی در ارتباط خواهد ماند و در صورت نیاز آنان را که نیازمند کمک هستند به اشخاص متخصص و مراکز صلاحیت دار معرفی می‌کند. هدف ما در اینجا جدا از کمک به این هموعان و اثبات دوستی و عشقمان به آنها، رساندن اطلاع و بالابردن سواد و آگاهی جنسی همه اقشار اجتماع ایرانی است.

روشنگری در زمینه مسائل جنسی و دفاع از حقوق اقلیت‌ها، تنها وظیفه یک پژوهشگر امور جنسی نیست. نوام چامسکی، در سخنرانی که در می ۲۰۰۲ داشت.

در کوشش برای تعریف "روشنفکر" گفت: روشنفکری حرفه ایست که در آن شخص با به کار بردن نیروی خرد خویش موضوعاتی پیش می‌کشد که بشریت به آنها نیازمند است" در معنی کردن و یا معنی دادن به این سخن چامسکی، زمانی که به وضعیت کنونی اقلیتهای جنسی در ایران می‌نگرم، برآستی که روشنگری جنسی را جدا از فعالیت روشنفکری نمی‌یابم و گمان ندارم که کسی بتواند در وضعیت کنونی ایران داعیه فعالیت روشنفکری داشته باشد ولی در مواجهه با مسئله اقلیتهای جنسی و همجنس‌گرایان که بنا به تخمین سکسولوگها حدود یک میلیون از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، سکوت کند. من به همراه دیگر دوستان همجنس‌گرا و دگر جنس‌گرایم، دست دوستی به سوی شما دراز می‌کنم. مخاطب ما نه تنها اقلیتهای جنسی، بل هر کسی با هرگونه گرایش جنسی است که بخواهد ما را در دفاع از حقوق اقلیتهای جنسی و روشنگری جنسی یاری دهد.

به امید آن روز که هر همجنس‌گرا بتواند رو در روی دیگران بایستد، در چشمان آنها نگاه کند و بی هیچ وحشت، تردید یا سرافکنندگی بگوید که همجنس‌گراست و همچون هر انسان دیگری به این ظریفترین و زیباترین احساس درونیش، یعنی توانایی عشق ورزیدن به همجنس افتخار می‌کند.

همجنس گرایی در گذر ادبیات فارسی

دکتر سیروس شمیسا

(مطالب منتشر شده در پیش شماره های قبل را مطالعه نمایید)

عراقی

در مورد فخرالدین عراقی شاعر و عارف معروف قرن هفتم هم چنین حکایاتی نقل شده است از جمله دولتشاه در تذکره خود می نویسد:

"شیخ عراقی را همواره یا صاحب جملان به نظر پاک الفتی بودی. روزی حضرت شیخ شهاب الدین را گفتند که عراقی در بازار رو به روی نعلبند پسری نشسته نظاره می کند. شیخ، عراقی را ملامت کرد و گفت این نظر که می افکنی آتش در کارخانه ناموس درویشان می زنی، آخر نمی بینی که حرف گیران در کمین اند و مدعیان گوشه نشین؟ عراقی در جواب گفت که شیخا غیر کجاست که تو دوبینی می کنی؟ (اشاره به وحدت وجود و این که جز یک وجود بیش نیست که وجود الهی باشد) غالبا شیخ از این گستاخی عراقی ملول شد و عراقی مدتی تضرع و زاری کرد تا شیخ بدو دل خوش کرد"

به هر حال شیخ او را جهت تنبیه و اصلاح به هندوستان فرستاد. البته جامی (بر مبنای مقدمه قدیم دیوان) در نفعات الانس به نحو دیگری نوشته و گفته است که عراقی عاشق پسری شد که با کاروان به هند می رفت و لذا به دنبال ایشان تا هند رفت!

"روزی جمعی قلندران به همدان رسیدند و با ایشان پسری صاحب جمال و بروی مشرب عشق غالب. چون آن پسر را دید گرفتار شد. مادام که در همدان بودند با ایشان بود چون از همدان سفر کردند و چند روز برآمد، بی طاقت شد، در عقب ایشان برفت. چون به ایشان رسید به رنگ ایشان برآمد و همراه ایشان به هندوستان افتاد و در شهر مولتان به صحبت شیخ بهالدین زکریا رسید" بعد از فوت شیخ، عراقی خلیفه شد اما مخالفان "به پادشاه وقت رسانیدند که اکثر اوقات وی به شعر می گذرد و صحبت وی همه با جوانان صاحب جمال است وی را استحقاق خلافت شیخ نیست"

شیخ به قونیه می رود، معین الدین پروانه حاکم آنجا مرید عراقی می شود و روزی برای او زر می آورد. عراقی می گوید: "ای امیر، ما را به زر نتوان فریفتن، بفرست و حسن قوال را به ما رسان و این حسن قوال در جمال دلپذیر بود و در حسن صورت بی نظیر و جمعی گرفتار وی بودند و در حضور و غیبت هوادار وی. چون امیر تعلق خاطر شیخ را به وی دریافت فی الحال کسی به طلب وی فرستاد. بعد از غوغای عاشقان و دفع مزاحمت ایشان وی را آوردند." یکی از آثار عراقی رساله عشاقنامه یا ده فصل است که مخلوطی از مثنوی و غزل است و موضوع آن رسیدن از عشق مجازی به عشق حقیقی است و جهت توضیح این مطلب داستان هایی نقل کرده که بعضا مربوط به شاهدبازی

مشایخ بزرگ صوفیه است که برخی از آن در مورد احمد غزالی قبلا نقل شد و داستان دیگری هم در ذکر شیخ روزبهان در آینده نقل خواهد شد. از غزلیات متعدد او که در باب معشوق مذكر است، این غزل او را به ردیف "ای پسر" به عنوان نمونه نقل می کنیم:

سر به سر از لطف جانی ای پسر
خوشر از جان چیست؟ آنی ای پسر
زان به چشم من در آیی هر زمان
کز صفا آب روانی ای پسر
از می حسن ار چه سرمستی، مکن
با حریفان سر گرانی ای پسر
بر لب خود بوسه زن، آن گه ببین
ذوق آب زندگانی ای پسر
از لطیفی می نماند کس به تو
زان یقینم شد که جانی ای پسر
در دل و چشمم، ز حسن و لطف خویش
آشکارا و نهانی ای پسر
نیست در عالم عراقی را دمی
بی لب تو زندگانی ای پسر

شیخ روزبهان بقلی

به نظر می رسد که شیخ روزبهان (متوفی ۶۰۶) صاحب عبهرالعاشقین هم مانند محی الدین ابن عربی و شمس تبریزی اعتقادی به مشاهده جمال حق در چهره شاهدان نداشته است. ولی از آنجا که چند اشاره در منابع در مورد شاهدبازی او آمده است - هرچند به نظر مشکوک است - اسم او را هم در این ردیف آورده ام. جامی در مورد شیخ روزبهان می نویسد:

"در کتاب الانوار فی کشف الاسرار آورده است که قوال باید که خوبی بود که عارفان در جمع سماع به جهت ترویج قلوب به سه چیز محتاج اند: روایح طیبه و وجه صبیح و صوت ملیح. بعضی گفته اند از این قول اجتناب بهتر است زیرا که چنین کار عارفی را مسلم آید که طهارت قلب او به کمال رسیده باشد و چشم او از دیدن غیر حق پوشیده شده" اما داستان زیر را که عراقی در مورد او نقل می کند در منابع دیگر به نام احمد غزالی دیده ام: امردی پای شیخ رامی مالید و شیخ جهت رفع سوتفاهم پای خود را در آتش نهاد تا خلق بدانند که برای او میان امرد و آتش فرقی نیست و او مسغرق عشق الهی است:

پیر شیراز شیخ روزبهان
آن به صدق و صفا فرید جهان
چون به ایوان عاشقی بر شد
روزبه بود و روز به تر شد
ساله ها با جمال جان افروز
روز شب کرده بود و شب ها روز
داشت او دلبری فرشته نهاد
که رخس دیده را جلا می داد
اتفاقا مگر سفیهی دید
کان پری پای شیخ می مالید
رفت تا درگه اتابک سعد
تیزرو تر ز سیر برق از رعد
گفت ای پادشاه دین فریاد
پای خود شیخ دین به امر داد!
سعد زنگی ز اعتقاد که داشت
در حق شیخ افترا انگاشت
کرد روزی مگر عیادت شیخ
دید حالی که بود عادت شیخ
دلبری دید همچو بدر منیر
چست در برگرفته پای فقیر
چون اتابک به چشم خوش بدید
از حیا زیر لب همی خندید
بود نزدیک شیخ سوزنده
منقلی پر ز آتش آکنده
پای ها از کنار آن مهوش
چست در زد به منقل آتش
گفت چشمم اگرچه حیران است
پای را پیش هر دو یکسان است
نظری کز سر صفا آید
به طبیعت مگر نیالاید
گر تو را نیست با غمش کاری
دایما من مقیدم، باری
نیست کاری به آنم و اینم
صنع پروردگار می بینم!

(ادامه این مطالب را در شماره های آینده مطالعه نمایید)

بزرگترین واقعه تاریخی جهان

صبا راوی - عضو گروه سردبیری و نماینده سازمان در هلند



روز اول ایپریل بزرگترین واقعه تاریخی اتفاق افتاد که هم جای جشن و شادی دارد و هم جای فکر و تامل.

۵ سال پیش هلند در چنین روزی سرتیتر اخبار روزنامه ها و رسانه های جهان شد. نزدیک به نیمه های شب در چنین روزی برای اولین بار در دنیا ازدواج بین دو همجنس به طور رسمی در شهرداری شهر آمستردام به وقوع پیوست. آقای Job Cohn به طور رسمی این زوج های جوان را به عنوان همسر یکدیگر اعلام نمود. لازم است در اینجا از آقای Henek Krol

نیز یاد شود که گفت: "بین عمل و رویا قانون های دست و پاگیری وجود دارد که امید است روزی این قانون ها از میان برود"

ما در حالی این روز را جشن می گیریم که دوستان همجنسگرای عزیزمان در ایران زیر فشارهای شدید روحی زندگی می کنند یا بهتر بگوییم روزها را برای زنده ماندن می گذرانند. تحت تعقیب قرار گرفتن دوستان همجنسگرا در ایران توسط مامورین دولتی، آزار و شکنجه و اعدام همجنسگرایان جزو زندگی جدا نشدنی این دوستان همجنسگرا در ایران شده است. یورش نیروهای دولتی و غیر دولتی به مجالس همجنسگرایان در ایران یک نوع تفریح و سرگرمی برای نیروهای امنیتی در ایران شده است. نیروهای پلیس و نیروهای دیگر غیر دولتی به جای برقراری امنیت و آسایش در جامعه و دفاع از قشرهای آسیب پذیر اجتماع خود بانی شرارت و پایمال کردن حقوق انسان های بی گناه هستند.



ما در حالی سالگرد ازدواج همجنسگرایان را جشن می گیریم که رهبران مذهبی و سران جمهوری اسلامی ایران همجنسگرایان را به شدت یک نوع انحراف جنسی می خوانند و نه تنها آن را نفی می کنند بلکه دستور سرکوب هرگونه آزادی جنسی از جمله همجنسگرایی را می دهند. جای تامل دارد در دنیا که در دنیای پیشرفته امروزی با دست آوردهای علمی روز افزون، این رهبران مذهبی پا را فراتر می گذارند و به آزادی انسانها و حقوق بشر در کشورهای اروپایی نیز بی احترامی کرده و به گفته خودشان تف بر صورت مدافعان حقوق بشر در آنجا می اندازند. امید است که روزی فرا رسد که کشور عزیزمان ایران نیز جای امنی برای همه انسان ها از جمله همجنسگرایان عزیز و دیگر دوستان وابسته به گروه LGBT شود.



دوستان و همکاران عزیز در نشریه چراغ
گرمترین و صمیمانه ترین درودها و شادباش های ما را بمناسبت یکسالگی
انتشار "چراغ" بپذیرید.
ما ضمن ارج گذاری به تلاشها و زحمات اتان، یکسالگی انتشار "چراغ" را به
شما و خوانندگان نشریه تبریک گفته، برایتان آرزوی موفقیت می کنیم.
دست یابی همجنگسگرایان ایران به آزادی و برابری حقوقی راهی سخت و
طولانی است و نیازمند مشعل دارانی است آگاه و مصمم که با چراغی در دست
پیشایش کاروان همجنگسگرایان کشور بسوی مقصد حرکت کنند.
در سایه تلاشها و مبارزات آگاهترین بخش همجنگسگرایان ایران از جمله شما
همکاران عزیز در "چراغ" است که امروز شاهدیم همجنگسگرایان کشور عزم
جزم کرده تا آزادی خود را به چنگ آورند.
مطمئن هستیم تاریخ و آیندگان از تلاش و کوششهای امروزی همجنگسگرایان
ایران با افتخار یاد خواهند کرد.

با احترام و شادباش مجدد
همکاران شما در مجله ماها

اقلیت آزادی خواه و اکثریت رفاه طلب

پیروز مهرآیین - دبیر امور اجتماعی سازمان

چرا جنبشهای مدنی ایران به رهبری نخبگان و آزادی خواهان اغلب با ناکامی رو به رو شده و ملت ایران علی رغم تجربه حرکت های آزادی خواهانه زیادی که داشته نتوانسته است به آزادی نسبی دست یابد و خود را از فشار استبداد و سلطه رهایی بخشد؟ این سوالیست که سالهاست ذهن بسیاری از ایرانیان و حتی تحلیلگران خارجی را به خود مشغول کرده است و پاسخ های گوناگونی برای آن مطرح گردیده است. در اغلب پاسخ های که برای این پرسش مهم مطرح می شود رهبری این جنبش ها به ناخالصی و نا آگاهی و ناتوانی متهم می شوند و علت ناکامی ها و شکست ها بیشتر بر گردن رهبران انداخته می شود. به عنوان یک شهروند ایرانی و علاقه مند به مسائل اجتماعی معتقدم که نمی توان تمام تقصیر را به گردن رهبران این جنبش ها انداخت و باید عواملی چون انگیزه های موجود در میان توده های مردم در حمایت از این جنبش ها را مورد نقد و بررسی قرار داد. متأسفانه در اغلب موارد همراهی توده های مردم با رهبران آزادی خواه ایران به منظور دست یابی به شرایط مساعد برای زندگی فردی بی دغدغه و کسب آزادی فردی بدون توجه به آزادی برای همه اقشار و اقلیت های جامعه بوده است و به علت پایین بودن سطح روحیه آزاد اندیشی در میان اغلب هموطنان مان تاکنون نشانه های پرنرنگی از آزادی خواهی به معنای ایجاد شرایط آزاد و برابر برای همه اقشار جامعه و طبیعتاً همه اقلیت های جامعه دیده نشده است. نگاهی گذرا به انقلاب مشروطیت و انقلاب ۱۳۵۷ و انتخابات های جمهوری اسلامی موید همین مطالب است. نخبگان آزاد اندیش و آزادی خواه بسیاری در این دو انقلاب بودند که به مدد آنها رهایی از بار سلطه و ستم میسر بود اما از طرف توده ملت ایران مورد حمایت واقع نشدند و ایرانیان رهبران دیگری برای خود گزینش کردند که هیچ کدام حتی وعده برقراری آزادی و برابری برای همه اقشار جامعه را نمی دادند. امروز با گذشت سالها از آن وقایع مهم و تاریخی باز هم می بینیم ملت ایران همچون گذشته در نا آگاهی به سر می برند و در انتخابات ۱۳۸۴ با علم به این که در انتخابات شاخصه های یک انتخابات سالم در آن وجود ندارد و کاندیداها از فیلتر خاصی عبور کردند و هیچ کدام درصد گسترش دموکراسی و ارتقا کیفیت حقوق بشر نیستند فقط و فقط به خاطر شعار هایی چون "ماهی پنجاه هزار تومان به هر ایرانی" از طرف آقای کربوبی و "پول نفت را بر سر سفره هایتان می آوریم" از طرف آقای احمدی نژاد و شعار هایی که فقط امید بهبود شرایط اقتصادی را می داد به پای صندوق های رای رفتند. هر چند

میزان شرکت کنندگان در این انتخابات همچون دو دوره پیش از آن چندان چشم گیر نبود اما گویای این مطلب بود که بعد از گذشت چندین دهه از تلاشهای روشنفکران و آزادی خواهان هنوز قشر عظیمی از ملت ایران از اهمیت و لزوم برقراری حکومت آزاد و پدید آمدن شرایط برابر برای همه اقشار و طبقات جامعه نا آگاه است و هنوز اکثریت مردم ایران متقاعد نگردیده اند که لازمه ایجاد رفاه اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی هر کشور منوط به ثبات و امنیت حاکم بر آن کشور است و ثبات و امنیت جز با تامین محیط آزاد و ایمن برای همه احاد جامعه فراهم نمی گردد. تا اینجای مطالب صحبت ها قدری نا خوشایند بود اما حقیقت این است که واقع بینی شرط اصلی برای هر گونه نظریه پردازی و برنامه ریزی برای آینده است و توجه داشتن به این امر که اکثریت ملت ایران از روحیه آزاد اندیشی برخوردار نمی باشند اولاً خواسته های ما را تعدیل می کند و بر سعه صدر ما در راهی که در پیش داریم می افزاید. در ثانی این حقیقت را به ما نشان می دهد که تلاش در راه گسترش روحیه آزاد اندیشی که یقیناً به آزادی خواهی ملت ایران نیز منجر خواهد شد یکی از مهمترین راه های تحقق اهداف ما و هر جنبش و اقلیت آزادی خواه دیگریست. در خاتمه متذکر می شوم که کلید آزادی خواهی آزاد اندیشی است و جنبش همجنسگرایان به عنوان یک جنبش آزادی خواه که متشکل از اعضای آزاد اندیش و نو گرایی است می تواند نقش کلیدی و مهمی در تغییر ساختار فکری ملت ایران داشته باشد. جنبش همجنسگرایان ایرانی هم اکنون با کمک رسانه هایی که در اختیار دارد از قبیل رادیو و مجلات و وبلاگها و در آینده با یاری دوستان از طریق رسانه های تصویری سعی در انتقال ارزشها و باورهای خود به جامعه ایران را دارد و اگر در این راه نخبگان سرزمینمان نیز ما را یاری دهند قطعاً این راه را سریعتر و سهل تر خواهیم پیمود .

ما را در راهمان یاری بخشید

مدافعان حقوق بشر، مدافعان حقوق همجنسگرایان، همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دوجنسگونگان

بدینوسیله به اطلاع می رساند که چنانچه مایل هستید به نحوی سازمان همجنسگرایان ایرانی (PGLO) را پشتیبانی و

کمک کنید، می توانید عضو گروه ترجمه سازمان شده و در ترجمه فارسی به انگلیسی متون مختلف ما را یاری رسانید.

به دلیل حجم متون منتشر شده و لزوم ترجمه آن ها به انگلیسی و با توجه به تعداد مترجمین فعلی سازمان نیازمندیم که از

کمک دیگر دوستان بهره ببریم. چنانچه در ترجمه فارسی به انگلیسی توانا هستید از شما دعوت می گردد که به یاری ما

بشتابید. این ترجمه ها برای انتشار در وب سایت انگلیسی سازمان و نشریات انگلیسی زبان استفاده خواهد شد.

لذا از شما دوستان درخواست می گردد که آمادگی خود را از طریق پست الکترونیکی pglo@pglo.net به ما اعلام

نمایید تا هماهنگی های لازم صورت پذیرد.

پیروزی اخلاقی بودیسم و غفلت رهبران جهان اسلام

جهانگیر شیرازی



در مراسم افتتاحیه کنگره ایلگا (سازمان جهانی همجنسگرایان) که با شرکت نمایندگانی از ۸۰ کشور مختلف در روزهای ۳۰ مارس تا ۳ آوریل در ژنو برگزار شد، نماینده حضرت آقای دالایی لاما، رهبر بودائیان جهان، در ژنو، شخصاً در مراسم افتتاحیه کنگره شرکت کرده و پیام حضرت دالایی لاما خطاب به کنگره را قرائت نمود. متن پیام چنین است:

خوشوقتم که بمناسبت بیست و سومین کنفرانس بین المللی انجمن همجنسگرایان، پیامی از حضرت مقدس دالایی لاما برایتان می آورم. حضرت مقدس به توجه خاصی که در این کنفرانس به مذهب، تحمل، بردباری و احترام و تنوع داده شده، توجه خاصی مبذول می دارد. حضرت مقدس نگرانی عمیق خود را از گزارشات مربوط به خشونت و تبعیض بر علیه افراد لزبین، گی، بای سکشوال و ترانس جندر اعلام می دارد. حضرت مقدس مخالفت خود را با خشونت و تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسی اعلام کرده، احترام، تحمل و اعتراف کامل به حقوق بشر برای همه افراد را درخواست می کند. در خاتمه، ایشان بهترین تمنیات خود را برای موفقیت کنفرانس اعلام می دارد.

ژنو ۳۰ مارس ۲۰۰۶ - نماینده حضرت دالایی لاما - آقای کلسانگ گیلستن

طبق اخبار رسیده، بعد از خواندن متن پیام، همه شرکت کنندگان بپا خاسته و با کف زدن های ممتد از پیام رهبر بودائیان جهان استقبال کرده اند.

ارسال چنین پیام حمایتی از سوی برجسته ترین مقام مذهب بودائی، در دفاع از اقلیتهای جنسی، نه تنها از درد و رنج همجنسگرایان بودائی خواهد کاست و به آنها کمک می کند که



صلح و آشتی بین اعتقادات مذهبی و گرایش جنسی خود را دریابند و به آرامش روحی و روانی برسند، بلکه اعتبار و ارزش های اخلاقی بودائیسیم را در ذهن میلیونها انسان همجنسگرا و دیگر مدافعان حقوق بشر در جهان، دو چندان خواهد کرد. آیا پیام رهبر بودائیان جهان به کنگره بین المللی همجنسگرایان، رهبران جهان اسلام را از خواب غفلت بیدار می کند؟ یا با ادامه اصرار بر اعدام و سرکوب همجنسگرایان در جوامع خود، دین و مذهب خود را همچنان از اعتبار عمومی جهانی محروم خواهند کرد؟

مردم خربزه خوردند، پای لرزش هم می‌نشینند

شهروند بی بی سی (هفته نامه شهرگان)



احمد جنتی خطاب به غربی‌ها: شما دروغگو، حقه‌باز، شکنجه‌گر، عیاش، بی‌بند و بار و شراب‌خوار هستید... تف به روی شما که همجنس‌بازی را قانونی کردید.

به گزارش خبرنگار "ایلنا"، احمد جنتی در خطبه دوم نماز جمعه تهران با غلط دانستن پیگیری مسیر دو ساله

پرونده هسته‌ای ایران از سوی مسوولان ایرانی، گفت: البته من نظر شخصی خود را در این رابطه عرض می‌کنم. ما از ابتدا از ترس شورای امنیت کار را تعطیل کردیم و به اینها (اروپاییان) نزدیک شدیم و هر بار که خواستند ما را تهدید کنند، این مترسک (شورای امنیت) را جلوی ما گذاشتند. ما حتی تحقیقات هسته‌ای خود را تعطیل کردیم اما آنها ولکن نبودند. این چه دنیای رسوایی است. ما هر کاری انجام دهیم آنها کار خود را می‌کنند و اینگونه بود که دو سال ما را علاف کردند.

وی خطاب به ملت ایران گفت: بالاخره هر آدمی که خربزه می‌خورد، پای لرزش هم می‌نشیند. شما گفتید ما انقلاب کردیم، استقلال می‌خواهیم، آزادی می‌خواهیم، گفتید هیئات من‌الذله، پس پای همه چیزش ایستادید. الان هم ایستاده‌اید. بالاخره یا آنها (اروپاییان) سر عقل می‌آیند یا اگر دیوانگی کردند، بدانند که بیشتر ضرر خواهند برد.

جنتی خطاب به اروپاییان و آمریکا، گفت: شما مگر می‌توانید کاری بیشتر از راه‌اندازی هشت سال جنگ علیه ملت ایران انجام دهید، مگر از هشت سال بمباران ایران چه نفعی بردید که این بار بخواهید ببرید. ما به عکس شما، بهره‌های زیادی از جنگ بردیم. جنتی تصریح کرد: ای آمریکا، ای اروپا! دنیا یک روز نیست. تمدن و فرهنگ غرب و آمریکا رو به سقوط جدی پیش می‌رود. اینها به دست خودشان و به دست ما خانه‌های خود را خراب می‌کنند. اینها یک جای سالم برای خود باقی نگذاشته‌اند.

دبیر شورای نگهبان و خطیب نماز جمعه تهران با اشاره به قانونی شدن همجنس‌بازی در برخی کشورهای اروپایی، گفت: تف به روی شما که همجنس‌بازی را قانونی کردید. تف به روی شما که ازدواج پسر با پسر را قانونی کردید. مگر این قانون چیز قابل اغماضی است. چقدر خانه‌های خود را خراب می‌کنید؟ چقدر ظلم می‌کنید؟ تاریخ شما، تاریخ ظلم و حاکشی است. شما همه جا زور می‌گویید. قوانینی که خود تصویب می‌کنید، خودتان آن را نقض می‌کنید. زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب شما پر از جنایت است. چقدر زندان‌های

حقی دارید. بالاخره در این دنیا هم خدایی وجود دارد، بالاخره در این دنیا هم عدالت و قسط حاکم است.

دبیر شورای نگهبان خطاب به غرب و آمریکا، گفت: امروز دیگر دوره بیداری، آگاهی و اسلام‌گرایی فرا رسیده است. مگر نمی‌بینید که هرچه انتخابات آزاد در کشورهای مسلمان برگزار کنید، این اسلام‌خواهان هستند که پیروز می‌شوند. شما منفور دنیا هستید. ای کاش خدا عقل را از کسی نگیرد. شما واقعا دیوانه‌اید. فکر می‌کنید این نفرت‌ها برای شما ارزان تمام می‌شود.



حتا او نیز بفکر بود

خطیب نماز جمعه تهران خطاب به مردم ایران، گفت: خیال نکنید که اگر امروز ما در مسأله استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای کوتاه بیاییم، غرب سکوت می‌کند و کاری با ما ندارد، خیر، اینگونه نیست، امروز ما اگر کوتاه بیاییم، فردا مسأله

حقوق بشر و به رسمیت شناختن رژیم اسرائیل و هزاران مسأله دیگر را پیش می‌کشند. بالاخره این مترسک و گیوتین (شورای امنیت سازمان ملل) بالای سر ماست. انشاء الله با یاری خدا، پافشاری مقام معظم رهبری و استواری شما ملت فهیم این قدرت شکسته خواهد شد.

نوشته روی عکس: حتی او نیز به فکر بود

از تمامی دوستانی که برای سالگرد انتشار نشریه چراغ پیام تبریک ارسال نموده‌اند صمیمانه سپاسگزاری کرده و آرزو می‌کنیم که سال‌های سال این فعالیت‌ها ادامه یابد و روزی فرا رسد که نشریات همجنس‌گرایان را آزادانه از تمامی باجه‌های مطبوعاتی سطح شهر تهیه نماییم و این عملی نخواهد شد مگر با تلاش و کوشش همه ما.

شیرین عبادی و معافیت سربازی همجنسگرایان

آرشام پارسی - دبیر حقوق بشر سازمان



در اوایل فروردین ماه سال جاری مطلبی از صبا راوی در سایت های خبری منتشر شد و به مقاله آقای توماس اردبرینک (Thomas Erdbrink) روزنامه نگار هلندی در NRC HANDELSBLAD و مصاحبه با خانم شیرین عبادی تحت عنوان معافیت همجنسگرایان پرداخته بود و اظهار کرده بود که همجنسگرایان ایرانی از خدمت سربازی معاف می شوند. در زیر توجه شما را به قسمت هایی از این

مقاله جلب می کنیم و خانم شیرین عبادی و دیگر سخنوران و صاحب نظران حقوق بشر را با ارائه چند ماده اول قانون مجازات اسلامی به خصوص ماده ۵ آن خطاب قرار می دهیم.

شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل می گوید: در ایران حکم عمل لواط بین دو همجنسگرا اعدام است اما کسی که اعلام کند که همجنسگرا است قانون را زیر پا نگذاشته است.

خانم ریتا فردونک وزیر انتگرسیون هلند بخاطر تصمیمش برای اخراج ده همجنسگرای ایرانی تحت فشار شدید قرار دارد. در آغاز ماه بعد باید موافقت پارلمان هلند را برای اینکار جلب کند. بر اساس ادعای پناهندگان، سازمان همجنسگرایان هلند و سازمان دیده بان حقوق بشر، این مردان در صورت بازگشت دادنشان به ایران، بخاطر گرایش جنسیشان در خطر اعدام قرار می گیرند. تصمیم فردونک زمینه ای قضایی خواهد بود که بر اساس آن به درخواست پناهندگی همجنسگرایان دیگری که در آینده به هلند خواهند گریخت، بررسی خواهد شد.

ایران چقدر برای همجنسگرایان امن است؟ طبق گفته برنده جایزه صلح نوبل- شیرین عبادی- همجنسگرایان ایرانی بدون مشکل می توانند به ایران مراجعت کنند. " اگر من به قانون ایران نگاه کنم، امکانش هست. دست کم در صورتی که توسط یک دادگاه در ایران ثابت نشده باشد که عمل دخول انجام گرفته. اگر دخول اثبات نشده باشد، آنها براحتی امکان بازگشت دارند. حتی اگر در هلند اعلام کرده باشند که همجنسگرا هستند. آنها با اینکار هیچ قانونی را زیر پا نگذاشته اند."

کتاب اول: کلیات باب اول - مواد عمومی

ماده ۱ - قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می شود .

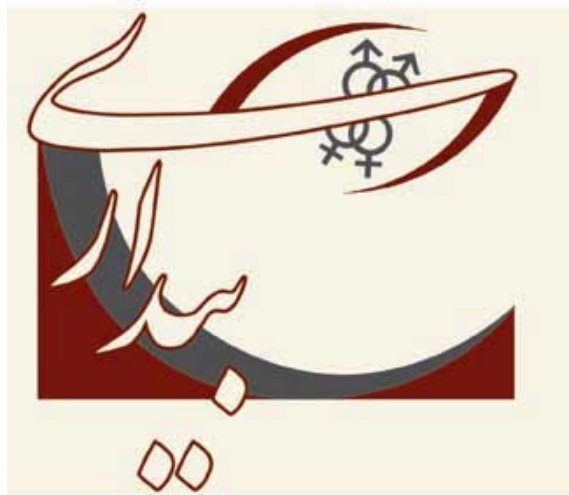
ماده ۲ - هر فعل یا ترك فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود .

ماده ۳ - قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی ، دریائی و هوائی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آنکه بموجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد .

ماده ۴ - هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است .

ماده ۵ - هر ایرانی یا بیگانه ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می شود .

در پایان باید یادآور شد که برخی اوقات اظهارات مبهم و کلی باعث نقض اساس حقوق بشر شده و عواقب وخیمی را در پی داشته باشد.



**گزیده ای از اخبار و مطالب منتشره
برای همجنسگرایان و دیگر علاقمندان**

www.bidari.info

news@bidari.info

فوتبال و آشتی ما با دیگران

صبا راوی نماینده سازمان در هلند

۲۱ مارس روز مبارزه با راسیسم و داشتن فرهنگ تolerance در آمستردام یک مسابقه دوستانه بین تیم همجنسگرایان و تیم مسلمانان برگزار شد! آقای



Bjorn van Roozendaal که کنسولگری بین المللی سازمان همجنسگرایان هلند (COC Netherlands) را به عهده دارد هم در این مسابقه شرکت کرد. لازم به ذکر است که در فوریه سال جاری آقای فان روزندال به نمایندگی از COC گفتگوهای دوستانه ای را با آرشام پارسی سخنگوی سازمان

همجنسگرایان ایرانی در ترکیه داشته و توافقنامه هایی نیز بین طرفین برای پاره ای از همکاری ها به امضا رسید. ایشان در مصاحبه با خبرنگاران گفتند که تیم مسلمانان خیلی خوب و دوستانه بازی کردند. این مسابقه ها برای برقراری صلح و دوستی بین اقشار جامعه با هرگونه گرایش و مذهب با نتیجه ۴ بر صفر به نفع تیم مسلمانان به پایان رسید. قابل ذکر است که به خاطر بین المللی بودن این مسابقه خبرنگاران تلویزیون روسیه هم حضور داشتند. این نکته جای تامل دارد زیرا بحث های

زیادی در مورد جشنواره همجنسگرایان در مسکو در جریان می باشد که در ماه می ۲۰۰۶ ممکن است برگزار شود. جالب است که آقای فرانک فان دالن رئیس COC هلند از این فرصت استفاده کرده و اشاره کرده اند که در این فستیوال شرکت می



کنند و حمایت خود را اعلام نمودند. جا دارد از آقای فرانک فان دالن نیز تشکر کرد که از جنبش های همجنسگرایان در هر گوشه دنیا حمایت به عمل می آورند. یک نکته مرا سخت به فکر وادار می کند و آن این است که در حالی که جهان امروزی در حال پیشرفت است و جوامع دنیا در حال برقراری صلح و دوستی بین همجنسگرایان و دیگر اقشار جامعه می باشند و از راه های مختلف این گرایش را به جامعه معرفی می کنند در کشور عزیزمان ایران روز به روز نه تنها عرصه زندگی بر همجنسگرایان تنگ می شود بلکه فرهنگ نفرت از طریق تریبون ها بین همجنسگرایان و دیگر اقشار جامعه گسترش می یابد که این نه تنها کمکی به دولت نخواهد کرد بلکه چهره ای زشت از سیمای کشور ایران در جامعه بین المللی می سازد که مدت ها وقت خواهد گرفت که این سیمای مخدوش شده که دست آورد یک دسته از اقلیت های متعصب و افراطی جامعه است، دوباره به مانند گذشته به یک چهره دوست داشتنی مبدل شود که این بار به عده من و تو دوست عزیز است.

همجنسگرایان ایرانی شجاعانه به اتحاد دنیا در می آیند

ترجمه ای از پاتریکا کونکلین (با کمی کوتاه سازی)

مردان و زنان همجنسگرای ایرانی بطور فشرده در جنگ و تلاش برای حقوق خودشان هستند در این سرزمین کهن که قبلا به نام پرسیا شهرت داشته است، یک تئوکراسی حتی از زمانیکه محافظه کاران دینی دولت را در ایران به دست گرفتند در سال ۱۹۷۹ و شاه اتوکراتیک را از مسیر خارج کرد باعث شد که مجازات های اعدام برای عاشقان همجنسگرا بر روی کار بیاید و جامعه همجنسگرای ایرانی را تحت فشار و سختی قرار دهد. آنها به کشته شدن به چهار روش به دار آویخته شدن، سنگسار، با شمشیر به سر زدن و دو نیم کردن و از بالای بلندی به پایین پرت شدن محکوم می شوند.

در طول دهه ی گذشته، مردان و زنان ایرانی تبعید شده خارج از وطن شدیدترین برخوردای هوموفوبیایی را در کشورشان تحمل کرده اند اما در عین حال بهترین مقاومت را نشان می دهند. انتشار مجله ای به نام هومان و پایه گذاری گروهی بزرگ در جهان که آن نیز هومان نام دارد شجاعت این افراد را در انتشار و گسترش عقاید همجنسگرایان ایرانی و جلوگیری از افکار ضد همجنسگرایی رژیم قابل سنجش نیست.

قانون مجازات ضد همجنسگرایی در سال ۱۹۸۲ توسط مجلس شورای ملی که زیر حاکمیت دولت محافظه کار دینی بود به تصویب رسید و این قانون جا دستی مناسب شد برای حرکات اعتراضی هوموفوبیک در کشور ایران. یک منتقد می گوید: "یکی از دلایلی که می تواند وجود داشته باشد درهم ریختگی قانون ایران از نظر جنسیت است که این برگرفته از وضعیت غیر عادی آفرینندگان آن می باشد."

با مراجعه به ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی اگر دو مرد که خویشاوندی خونی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش بخوابند، به مجازات محکوم می شوند. همچنین انجام دادن ارتبط جنسی بدون دخول نیز موجب صد ضربه شلاق برای هر دو نفر می باشد و اگر انجام دهنده غیر مسلمان باشد به مرگ محکوم می شود. با توجه به ماده ۱۲۴ بوسیدن از روی شهوت شامل مجازات خواهد شد.

این قانون عجیب در کشوری حاکم گشته است که مردم آن از سالیان قدیم عادت دارند که در میهمانی ها و جلو یکدیگر را برای سه مرتبه ببوسند و دستان یکدیگر را گرفته و همدیگر را در آغوش کشند. چه کسی تشخیص خواهد داد که کدام یک از روی شهوت بوده یا نه؟

دریچه

همید:

آدم این عشق را با خاک یکسانم کنم
آدم این درد را در دل ویرانش کنم
آدم تا بشکنم عهدی که بستم از دل و جان
لیک ترسم باز هم جان را بقربانش کنم
آدم تا واپسین ساعات عشق خویش را
در غروبی ارغوانی باز مهمانش کنم
آدم تا کس نگوید بی وداع تن داد و رفت
شاید از بی مهریش قدری پشیمانم کنم



غم را بر او گزیده می باید کرد
وز چاه طمع بریده می باید کرد
خون دل من ریخته می خواهد یار
این کار مرا به دیده می باید کرد

نیما:

همچو

عاشق بی پروا

سبکبار ساحل ها

رهسپار بادها

و هم قطار سرنوشت ها

بسوی تو می آیم

سویی که راهی جز او نباشد

سویی که انتخابی در او نباشد

سویی که ندامتی نیز در او نباشد

آری

به هر سو که روم همان راهی خواهد بود

که زرتشت پاک رفت

به هر سو که روم همان راهی خواهد بود

که کوروش بی باک رفت

همان راهی خواهد بود

که انسانهای برگزیده ات را در آن سکونت خواهی داد

و همان راهی خواهد بود

که تو مرا در جاده آن گزاردی

و من انرا خواهم رفت

تا به پایانش

کشتار همجنسگرایان

نوشته گلن موری با کمی اختصار

تصور کنید در نیمه های شب از خواب بیدار می شوید، پلیس در خانه شما را شکسته و وارد شده است. شما را به داخل زندانی می اندازند، تحت شکنجه های هولناکی قرار می گیرید، بعد از آن یک دادگاه مخفی پرونده شما را بررسی می کند و شانس بسیار کمی برای خارج شدن دارید و بعد اعدام شما صورت می گیرد. به چه جرمی؟ همجنسگرا بودن.

به گفته کشیش برنت هاوکس از کلیسای متروپولیتن در تورنتو، ۵۸ کشور در جهان به دلیل گی بودن و ارتباط جنسی بین دو همجنس مجازاتی از قبیل زندان ابد و مرگ را دارند.

کشتار، قتل و سواستفاده از همجنسگرایان در حال همه گیر شدن است. از اوگاندا تا ایران، زندان ها، شکنجه ها، دستورات و احکام مجازات اعدام و ... در حال رشد است.

در ایران، بر طبق ماده ۱۱۱ از قانون مجازات اسلامی لواط را به عنوان دخول بین دو مرد نام برده و مجازات مرگ را برای هر دو شریک جنسی که بالغ و عاقل باشند تعیین کرده است. قبل از این مرحله مجازات صد ضربه شلاق برای هر نفر تعیین شده که بایستی برهنه دراز بکشند. این در کشوری اجرا می شود که رییس جمهور آن از منکران هولوکاست است.

هومان، گروه همجنسگرایانی که در خارج از ایران فعالیت می کند اعلام می کند که از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نزدیک به ۴۰۰۰ نفر به جرم همجنسگرایی اعدام شده اند.

انتشار این اخبار در روزنامه های سراسری ایران بسیار نادر و کمیاب است. در ماه مارس سال گذشته روزنامه کیهان خبر اعدام مختار ن. ۲۴ ساله و علی الف. ۲۵ ساله در گرگان به جرم لواط را منتشر کرد همچنین خبر حکومیت اعدام دو فرد به جرم لواط در یکی از روزنامه های دولتی به نام اعتماد در تهران منتشر شد.

ماده ۴۲۷ قانون مجازات افغانستان که در سال ۱۹۷۶ نوشته شده بود بعد از سقوط طالبان مورد بازنگری و تصویب قرار گرفت و زندان های بسیار طولانی مدت را برای اشخاص همجنسگرا تعیین کرد. در سال ۲۰۰۴ یک رایزن امریکایی در دولت افغانستان با استناد به این قانون دستگیر شده و به زندان افتاد زیرا که ارتباطی با یک مرد افغانی داشت. این در کشوری است که ایمان به مسیح عبدالرحمن یک عمل شنیع و یک جرم محسوب شده و ممکن است او را به قتل برسانند.

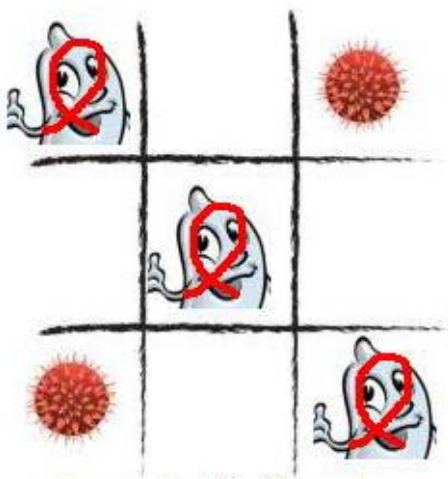
این ستم ها و مجازات سیستماتیک همجنسگرایان تنها در جهان غرب محکوم نمی گردد. کشورهای همچون ایالات متحده امریکا و بریتانیای کبیر در توجه

به پناهندگان همجنسگرا و یا محکومیت وضعیت همجنسگرایان در سطوح بین المللی متحد هستند.

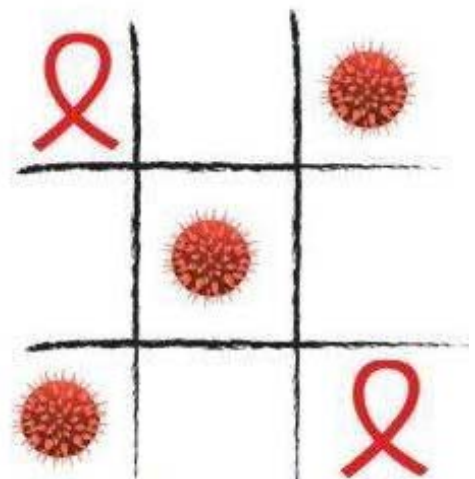
نشریه همجنسگرایانه Attitude در بریتانیا گزارشی در رابطه با خودکشی حسین ناصری ۲۶ ساله که گلوله ای را در ماشین به سر خود زد منتشر کرد و این اتفاق تقریباً دو هفته بعد از اینکه حکم دیپورت او به ایران صادر شده بود به وقوع پیوست. اسرافیل شیری نیز که چنین حکمی را دریافت کرده بود بر روی بدن خود بنزین ریخت و خود را به آتش کشانید و این یک مرگ هولناک در اعتراض به تصمیم دولت بریتانیا بود.

سازمان دیده بان حقوق بشر نیز کمپینی را هدایت می کند که دولت هلند را به متوقف ساختن دیپورت همجنسگرایان ایرانی به ایران بعد از مهلت قانونی مجبور سازد.

در اینجا باید دید که ما چطور باید با هم متحد شویم و چه کنیم؟



دیگر هیچ وقت نمی گذاریم ایدز برنده شود



فقط این یکبار حواسم نبود

من مراقب ایدز هستم شما چطور؟

چگونگی بررسی و ارائه راه حل درباره گی ها

ام. تا. سپس

"با توجه به شرایط فعلی جامعه شما چه پیشنهادی و راه حلی را برای بهتر شدن شرایط زندگی هم جنس گرایان کشور پیشنهاد می کنید اگر به اتحاد و همبستگی اعتقاد دارید فکر می کنید که راه عملی شکل گیری این اتحاد چگونه می باشد اگر به کار فرهنگی معتقدید چه کارهای مشخص چگونه چه کسی و در چه اشکالی باید آن را پیش برد. مهمتری مشکل سازماندهی و گروهی هم جنس گرایان در این شرایط کدامها هستند آیا فکر می کنید که وقت همکاری و همبستگی فشرده تر و ایجاد یک تشکیلات گروهی منظم توسط هم جنس گرایان فرارسیده آیا معتقدید که به اندازه کافی برای پیش قدم شدن وجود دارد و یا فعلا این کارها را زود می دانید. کدام اشکال و شیوه های فعالیت برای لغو این قانون را پیشنهاد می کنید. چگونه می توان بر بی تفاوتی و بی اعتنائی وسیعی از هم جنس گرایان به مسائل مشترک گروهی غلبه و آنها را به تلاش و فعالیت ترغیب کرد برای عبور از موانع موجود چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید"

متن فوق در شماره یازده مجله ماها چاپ گردید بنده نیز بنا به دلایلی مطالب ذیل را که به طور مجموعه وار میباشد در این جا ارائه می نمایم. پیش از وارد شدن به موضوع اصلی طرح شده در سئوالات، پرسش های آغازین و ابتدایی ناظر بر سئوالات فوق را طرح می نمایم سپس به موضوع مطرح شده می پردازم.

برای بهتر شدن وضع هم جنس گرایان در درجه اول بایستی بدانیم "وضع بهتر" برای هم جنس گرایان چیست و چه هدفی و یا هدف هایی را در این ارتباط پیگیری می کنیم. آیا موقعیت بهتر برای هم جنس گرایان، داشتن موقعیت های مالی و اقتصادی مناسب است، رفع موانع موجود در ارتباط با قوانین حاکم بر جامعه موقعیت بهتر را فراهم می نماید. آیا وجود سکس آزاد برای افراد هم جنس گرا به عنوان عامل رضایت مندی مطرح می شود. آیا ایجاد ظرفیت های فرهنگی اجتماعی به عنوان هدف مطلوب ارزش گذاری می شود. آیا استفاده از نهاد خانواده به عنوان یک ابزار به جا مانده از دوره سنت (در مقابل مدرن) به عنوان یک وضعیت بهتر توصیه می گردد. بنابراین اولویت گذاری و تعیین هدف و یا هدف گذاری، به عبارت دیگر داشتن استراتژی یکی از عوامل مهم ارزیابی، تلقی می گردد. نکته دیگر که در ذیل هدف گذاری مطرح می شود تبیین ساختار های موجود از ابعاد مختلف می باشد. به طور مثال رفتار خانواده های ایرانی در حیطه فرهنگی و اجتماعی به مانند دوره های توسعه ای تاریخی "وابسته به زمین" که عموماً برای "دوره پیش از صنعتی شدن" می باشد، عمل می نماید و هنوز

افرادی را می توان پیدا نمود که تا سنین بالا از استقلال مالی و اجتماعی برخوردار نیستند و حتی جدا شدن افراد از خانواده برای محیط های کاری دور از منزل گه گاهی فرد مورد نظر را دچار مشکلات اساسی و گه گاه غیرقابل حل می کند. نکات بیشتری را در این ارتباط می توان مطرح نمود که به لحاظ اطلاع کلام به چند نکته اکتفا می کنم.

ساختار فرهنگی جامعه به گونه ای است که هر گونه حمایت ناچیز و یا تبیین هم جنس گرایی به عنوان حمایت از چند تا آدم خود فروش و غیره تلقی می گردد (در چنین حالتی آیا رفع موانع قانونی می تواند به عنوان ابزار بهتر شدن وضعیت افراد گی مطرح گردد). فاصله طبقاتی در میان افراد و گروه ها در جامعه به خاطر عدم "رشد و توسعه متوازن" در کشور به صورت تصاعدی در حرکت است و این موضوع نه صرفا میان افراد و گروه ها بلکه حتی در خود خانواده ها میان پدر و فرزند، میان مادر و فرزند به وفور در حیطه مطلوب های اجتماعی و نیز دانش، علم تکنولوژی و غیره قابل مشاهده است. این عدم تقسیم عادلانه ثروت و علم میان افراد در جامعه ایرانی به سرعت در حال تکثیر است و هر روز شکاف میان آن ها بیشتر می گردد. حال با توجه به واقعیت فوق، انجام کارهای فرهنگی دچار مشکل می گردد ضمن اینکه قلمرو "وضعیت بهتر" را برای جامعه هم جنس گرایان محدود تر می نماید.

اتحاد و همبستگی به چه معناست. آیا تشکیل یک "گروه هم فکر" در قالب یک ساختار معین همراه با مکانیزم های مشخص به اتحاد و همبستگی منجر می شود و آیا ظرفیت های ساختاری مربوط به همبستگی بایستی در درون افراد ایجاد گردد. در میان افراد گی در جامعه ایران هم فکری به چه معناست و مبانی این هم فکری و هم بستگی در چیست آیا ویژگی فیزیولوژی خاص افراد گی مبنای اتحاد قرار می گیرد و یا اینکه مبانی اندیشه ای مشترک به عنوان مسائل اساسی در تشکیل یک اتحادیه موثر است. ضمن اینکه ایرانی ها تا چه حدی در مسائل شان از اندیشه به جای احساسات در رفتارهای اجتماعی بهره می برند. نکته اساسی بعد از هم فکری، میزان حداقل های قابل پذیرش بین افراد مختلف است. ظرفیت های ایجاد شده و میزان انعطاف پذیری میان گی ها در ایران چه میزان است که بتواند هم فکری لازم را بپذیرد و دارای یک گروه همراه با هویت گردد.

آیا موقعیت بهتر برای هم جنس گرایان، داشتن موقعیت های مالی و اقتصادی مناسب است

در جامعه ایران محدودیت های قابل تعریف و قابل اتکا درحیطه ذهن و عمل هم جنس گرایان وجود دارد چگونه می توان این موانع و محدودیت ها را به فرصت تبدیل نمود. در ذیل موارد مربوط به موانع و محدودیت ها در ساختار

اجتماعی ایران مطرح و در انتها با توجه به موارد گفته شده به پیشنهاد هایی در این ارتباط خواهیم پرداخت.

۱- در جامعه اسلامی که شریعت مولفه اصلی و هسته مرکزی دینی و دین‌گرایی تلقی می‌گردد بسیاری از مسائل که از جنس معرفت دینی و اخلاق دین است در حاشیه قرار می‌گیرد. شریعت دینی نوک تیز پیکانی است که خط قرمزهای جامعه دینی را مورد نشانه قرار می‌دهد و عموماً مسائل را از جنس سیاه و سفید، حق و باطل، صواب و عقاب، حرام و حلال نگاه می‌کند و قدرت مانور اندیشه و فکر و حتی اخلاقی کردن امور را از دست می‌گیرد و به دایره حکم‌های از پیش تعیین شده و حقوق دینی متنزل می‌نماید.

۲- هم‌جنس‌گرایی در ذات خود شامل درجاتی است که هر کسی و یا فردی به اندازه میزان داشتن این فطرت با آن درگیر است و هم‌جنس‌گرایی دارای مراحل است و هر کسی در طی رشد و بلوغ خود مراحل خاص خود را طی می‌کند. هم‌جنس‌گرایی صرفاً به معنای جنسی آن تلقی نمی‌شود هر چند که معنای جنسی آن یکی از مراحل بلوغ هم‌جنس‌گرایی می‌باشد. می‌توان خیلی از افراد را در جامعه ایرانی نام برد که به طور ناخودآگاه از یک نوع جاذبه‌های مربوط به هم‌جنس‌گرایی برخوردار بوده‌اند. اغلب افراد در دوره تحصیل در مدرسه و دانشگاه از معلم و یا هر فردی که در آموزشگاه مشغول به آموزش علوم مختلف بوده است گرایش خاصی برای یادگیری، معرفتی و اخلاقی داشته است این مورد به طور ناخودآگاه چون از طرف یک فرد هم‌جنس بوده است در دایره و مراحل خاص هم‌جنس‌گرایی ملحوظ است. البته از نظر علم روان‌شناسی و سکسیولوژی به هر حال تعریف‌های خاص و عمومی معطوف به هدف و محدودی از هم‌جنس‌گرایی معرفی می‌شود. منتهی در تعریف فوق دایره شمول بیشتری از افراد را در آن قرار می‌دهد.

۳- هر چقدر شناخت ما از یک مسئله بیشتر شود این همان سکوی پرواز در بی‌کرانه‌های علم و تجربه خواهد گردید. شناخت، خود از موارد مهم زندگی است که هر چقدر عمق آن بیشتر گردد ایستادگی و پایداری در مواجهات مختلف را بیشتر می‌کند. در فرایند آموزش در مدارس ایران شناختی نسبت به مسائل هم‌جنس‌گرایی داده نمی‌شود ضمن اینکه اینگونه واژگان در ادبیات تاریخی و اجتماعی ایران همراه با فحش و دشنام علمی و فرهنگی بوده است بسیاری از نخبگان به طور خود آگاه و ناخودآگاه از آن دوری می‌نمایند به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های روبروی این نشریه گسترش شناخت نسبت به هم‌جنس‌گرایی در موضوعات مختلف در تاریخ، جامعه، دین، اقتصاد و حوزه‌های مختلف می‌باشد. درگیر کردن افکار جامعه و به ویژه نخبگان با مسئله هم‌جنس‌گرایی یکی از وظایف نشریات می‌باشد. ضمناً توجه داشته باشیم که نخبگان در یک فضای به دور از هیاهو و با حفظ گرایش‌های سیاسی خود و بی‌طرفی

علمی وارد بحث اینگونه مباحث می گردند. بنابراین وظیفه اینگونه نشریات این است که با حفظ گرایشات سیاسی خود حتما فضای بازی برای بی طرفی ایجاد نمایند تا امکان بحث و گفتگو را آسان تر نماید. بنابراین خط قرمز اینگونه نشریات این خواهد بود که هرگونه شائبه نا امنی و بی طرفی را از خود دور نماید. این موضوع اگرچه به سالها طول خواهد کشید اما درخت تنومند و استوار در ریشه های بلند و قوی پایدار می گردد.

۴- ببینید در پرداختن به موضوع هم جنس گرایی به سه نکته توجه می نمائیم. در پارادایم مربوط به وضعیت شناخت مسئله نکته مهم این است که درجه موضع از شناخت قرار داریم. در پرداختن به یک موضوع از سه منظر می توان به آن مسئله پرداخت:

- برنامه ریزی در جامعه هم جنس گرایی
- مدیریت و کنترل کردن در جامعه هم جنس گرایی
- تحلیل در جامعه هم جنس گرایی

همجنس گرایی در ایران دارای یک ساختار است. مجموعه ای از عناصر و متغیرها، فرایندهای ورودی و خروجی این ساختار را تشکیل می دهند. در بررسی موضوع زمانی که فرایند ورودی و خروجی جامعه هم جنس گرایی مشخص باشد و ما بخواهیم با توجه به مشخص بودن آن دو به بررسی ساختار بپردازیم در این حالت به تحلیل جامعه هم جنسی گرایی پرداخته ایم. زمانی که ساختار جامعه هم جنس گرایی و فرایند ورودی آن معین باشد و با توجه به شناخت آن دو به بررسی فرایند خروجی بپردازیم مطالعه مربوطه را برنامه ریزی می نامیم و در صورتی که ساختار و فرایند خروجی جامعه هم جنس گرایی مشخص باشد و با توجه به معین بودن آن به بررسی فرایند های ورودی پرداخته شود در واقع به مدیریت و کنترل موضوع مورد بررسی پرداخته ایم. ذکر این مطلب بدین دلیل است که عموماً انجام فعالیت های مختلف در مورد موضوع هم جنس گرایی گسسته و بدون پیدایش مفاهیم اولیه و مبانی مورد نظر انجام می پذیرد و به نظر می رسد بایستی در مورد مسائل مربوط به گی ها حتما وضعیت اولیه نسبت به آن مشخص باشد.

۵- جامعه گی ایرانی از سه نوع فرهنگ متاثر است یک فرهنگ ایرانی دوم فرهنگ اسلامی و سوم فرهنگ ناشی از مدرنیته غربی. به نظر می رسد جامعه گی های ایرانی راهی که برای فرهنگ سازی، جامعه مدنی و ساخت اجتماعی در ارتباط با مسائل خود دارند متفاوت از فرهنگی غربی است به عبارت دیگر رفتار گی های ایرانی هم وامدار فرهنگ اسلامی است و هم فرهنگ به دست رسیده از دنیای ایرانیان و همچنین از ویژگی هایی که دنیای غرب و مدرنیته فراهم آورده است، برخوردار است. رویکرد رفتاری گی ها در

بسیاری از مسائل اجتماعی تاریخی و اقتصادی آنان قابل مشاهده می باشد. موارد ذیل نمونه ای از تفاوت های گی های ایرانی با سایر جوامع می باشد. افراد گی ایرانی به دلیل متأثر بودن از فرهنگی ایرانی و فرهنگ اسلامی اغلب تن به ازدواج داده اند. در جامعه ایران تن فروشی به سبک و سیاق غربی در میان جوانان وجود ندارد (مطالبی که گفته می شود در حیطه قضاوت ارزشی نیست بلکه به عنوان مشاهداتی از جامعه ایران که متفاوت از سایر جوامع می باشد، مطرح می گردد). مسئله حجب و حیا و پوشش ایرانی، مسئله ابراز علاقه و عشق به سایرین، مسئله احترام به حقوق خانواده و نهاد خانواده، مسئله پنهان کاری به صورتی که ضربه ای به سایر افراد و خانواده و جامعه ایجاد ننماید، مسئله دین باوری و حرمت به سبیل های اسلامی به ویژه در روز هایی که برای مسلمانان مبارک و ارزشمند است، مسئله احترام به حقوق جامعه اکثریت (به ویژه در مورد حقوق و تکالیف دینی)، مسئله تغافل و تجاهل در صورتی که اعمال جنسی میان دو فرد هم جنس صورت می پذیرد، رعایت اخلاق و فقه در جامعه اسلامی، عدم انجام بسیاری از اعمال سکسی به شیوه ای که در غرب وجود دارد، انجام اعمال سکسی در یک مکان و بدون نشان دادن آن به سایرین.

در صورتیکه نحوه شکل گیری لوطی های محله ای را در تاریخ صد ساله اخیر مطالعه نماییم به طور قطع پی خواهیم برد که لوطی ها علاوه بر اینکه حافظ منافع محله زندگی شان بوده اند به نوعی از افراد ترانس، گی و غیره محافظت به عمل می آوردند و هرجایی که حقوقی از طرف جامعه اکثریت آن موقع پایمان می گردید از طریق این افراد استیفا حق می شد و البته این کار فرهنگ خاص خود را ایجاد می نمود. به هر حال نوع فرهنگ ایرانی هر چند که در یک بافت ناامن ایجاد می گردید لیکن همواره با پدیده های پیرامونی خود به نحو مطلوب و از طریق حداکثر نمودن ظرفیت های فرهنگی مورد استفاده قرار می گرفت.

از این دست مسائل، بسیار می توان فهرست نمود و به نظر می رسد افراد گی ایرانی بتوانند همراه با پالایشهایی در فرهنگ به دست رسیده، آبخور فرهنگ خود را که ناشی از سه حوزه فرهنگی فوق است فربه تر نمایند و در اینصورت امکان بروز شیوه های رفتاری و کرداری که استفاده در یک زندگی بهتر را رهنمون سازد فراهم تر خواهد گردید.

۶- یکی از مسائلی که در بررسی شناخت مسائل مربوط به گی های ایرانی از اهمیت بسیاری برخوردار است، مسئله عدم توسعه یافتگی ایران است. در درون ساختار توسعه نیافته ایران عناصر و مولفه هایی وجود دارد که تا این مسائل ریشه ای حل نگردد پرداختن به موضوعات دیگر با صرف هزینه های

بسیار، صرفاً برای کسب و رسیدن به برآیند صفر و یا هیچ خواهد بود. از جمله عناصر و مولفه های قابل بررسی موارد ذیل می باشند.

- مردم ایران می بایستی خاضع در برابر گزاره های علمی باشند و نه احساس، روی دیگر این احساس گرایی همواره خشونت بوده است

- مسئله درآمد نفتی در ایران همواره درآمدهای دولت ایران ایجاد کرده است که دو اثر مهم را در اقتصاد به جا می گذارد. یک اینکه دولت مردان را برای صرف هزینه های دولتی به درآمدهای استوار نموده است که در مقابل صرف هزینه آن موظف به پاسخگویی در قبال مردم نبوده اند و از طرف دیگر مردم ایران را به سمت استفاده نکردن از نیروی کاری در جهت توسعه ملی سوق داده است به صورتیکه هم اکنون قسمت عمده ای از نیروی کار در ایران غیر فعال و بیکار می باشند و یا حداقل در جهت منافع توسعه ملی بکار گرفته نمی شوند.

- عدم امنیت به دلیل ساختار سیاسی و اقتصادی کشور همواره به عنوان یک عنصر ذاتی در مسائل اجتماعی عمل نموده است.

- نوع رویکرد ایرانیان عمدتاً به سمت دین گرایی بیشتر از نوع شریعت مداری بوده است. این مورد از قبل از ورود اسلام در ایران وجود داشته و نهادینه شده است. موضوع مربوط به اساطیر در میان مردم رواج بسیار داشته است. البته زمینه داشتن دین پذیری در میال ایرانیان به مانند چاقویی است که هم می تواند به صورت تیغ جراحی عمل کند و هم در جهت کشتن دیگران.

- عدم نگرش فلسفی یکی از معلولهای مربوط به امنیت ساختاری است. به نظر می رسد تا نگرش ایرانیان نسبت به انسانها تغییر نکند همچنان موضوع فلسفه در ارتباط با انسان در دنیای جدید دچار مشکل خواهد بود.

- دم غینمت مزاجی و ابن الوقت بودن یک از آثاری است که در ساختار اجتماعی و اقتصادی حضور قاطع دارد چنانچه در سطوح بالای تصمیم گیری، در مقاطع مختلف تاریخی برنامه ریزی را به سمت برنامه ریزی سوق داده است.

- دشمن سازی و توهم توطئه در تمامی عرصه های مختلف اجتماع از بالاترین لایه های اجتماعی تا پایین ترین آن همواره پدیده های بسیاری از مسائل مربوط به ساختار اجتماعی سیاسی و اقتصادی را تبیین می نماید.

- تقسیم ناعادلانه ثروت و علم در طول تاریخ صحنه ای از وقایع مهم اجتماع ایرانی را به خود اختصاص داده است.

• یکی از ویژگی‌های ایرانیان از گذشته تا کنون این بوده است که در انجام کارهای فردی بسیار موفق بوده است لیکن در انجام کارهای جمعی، مجموع نیروهای تک تک افراد معادل آن چیزی که ناشی از برآیند نیروی کاری جمعی است نمی‌باشد. البته این موضوع در گروه‌ها و جمع‌های مختلف، از اعصار گذشته تاکنون قابل اثبات است.

در فرایند آموزش در مدارس ایران شناختی نسبت به مسائل هم جنس گرایی داده نمی‌شود ضمن اینکه اینگونه واژگان در ادبیات تاریخی و اجتماعی ایران همراه با فحش و دشنام علمی و فرهنگی بوده است

• وجود دوگانگی‌ها یکی از حوزه‌های بسیار مرتبط با ساختار اجتماعی اقتصادی ایران است که در نوشته‌های قبلی اینجانب به قسمتی از آن اشاره گردید.

به طور کلی چندین گروه مشکلات ساختاری وجود دارد که به صورت لایه لایه می‌باشد به این معنی که هر لایه دارای عناصری است و از لایه‌های دیگر محافظت می‌کند و تا مشکلات هر لایه حل نگردد حل مشکلات درونی و جزئی منتهی به توسعه به مفهوم جدید نخواهد شد.

۷- در جامعه ایران نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که چگونه می‌توان متدین بود و به زندگی مبتنی بر این باور معتقد بود ضمن اینکه شخصیت و فردیت خود را که از هم جنس گرایی نشأت می‌گیرد حفظ نمود. روش زندگی که در غرب مورد استفاده قرار می‌گیرد و به آن پرداخته می‌شود، سکولاریته بودن، تسامح و تساهل در مدیریت و برخورد با تفکرات دیگران است لیکن جامعه ایرانی با نوعی بنیاد گرایی درگیر است و از آن به اصول گرایی نیز تعبیر می‌شود که از شیوه و مبانی فکری غربی متفاوت است.

یکی از مباحثی که در اقتصاد توسعه مطرح می‌شود عامل انگیزه است این عامل در متون اقتصاد توسعه چنان از درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که عالمان مربوط به این حوزه تخصصی علم اقتصاد می‌گویند: تخم انگیزه بکارید و توسعه اقتصادی درو کنید به نظر می‌رسد همین قدر که یک نشریه مربوط به امور گی‌ها بتواند ایجاد انگیزه نماید امر بسیار با اهمیتی را پیموده است ضمن اینکه ارائه راه حل و پیشنهاد به حوزه‌های تخصصی تری مرتبط می‌گردد که تا رسیدن به آن راه طولانی می‌بایست طی گردد.

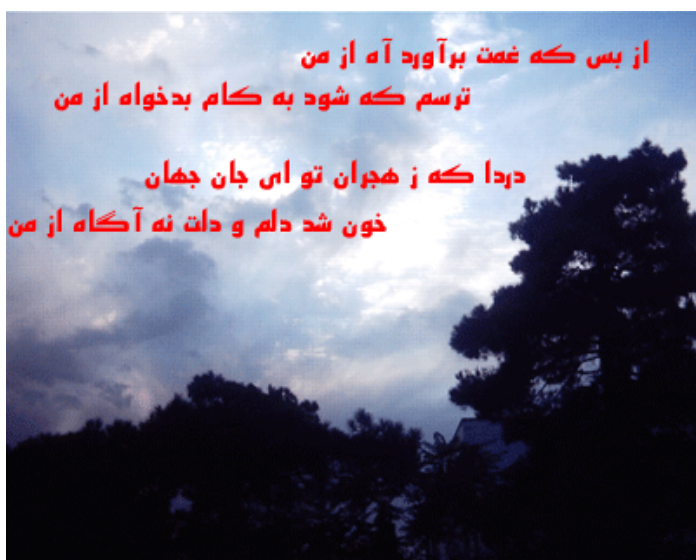
به نظر اینجانب تا مسائل توسعه‌ای ایران حل نشود پرداختن به سایر مسائل حاشیه‌ای خواهد بود. بنابراین دغدغه اصلی می‌بایست تحلیل؛ کنترل و برنامه ریزی مسائلی مانند عدالت و عدم توسعه یافتگی ایران باشد که در ذیل آن مسائل مربوط به گی‌ها نیز طرح خواهد گردید. تنبلی فکری و احاله دادن حل مشکلات و مسائل به دیگر افراد یکی از عارضه‌های مهم کم

کاری در داخل ساختار اجتماعی ایران است. نکته قابل توجه مفهوم روشنفکری به ویژه روشنفکری دینی است اینکه در داخل ایران هنوز روشنفکر به عنوان یک ضرورت تلقی می‌گردد و می‌توان از این ابزار به گسترش و توسعه فرهنگی اجتماعی و مکانیسم‌های مرتبط با آن پرداخت محل پرسش است، منتهی در صورت پذیرش موضوع فوق، راه کارهای مناسب برای درگیر نمودن اذهان و تفکرات آنها با موضوع هم‌جنس‌گرایان، بایستی به شیوه علمی صورت پذیرد. در حال حاضر در مراکز دانشگاهی ایران نشریات، پایان‌نامه‌ها و کتابهایی به صورت پراکنده به مسائل مربوط به گی‌ها وجود دارد، همین که این نشریه بتواند این تفکرات را به هم نزدیک کند و از پراکندگی آن بکاهد گام مثمر ثمری را برداشته است.

از نظر تاریخی و منطقی نشان داده شده است که انجام کارهای سیاسی و عمل سیاسی که معطوف به اندیشه‌سازی و فرهنگ‌سازی نباشد محکوم به شکست خواهد بود. رفتار سیاسی زمانی در دل و جان گی‌های ایرانی خواهد نشست که از یک پایگاه بزرگ علم و تجربه برخوردار شده باشد. ضمناً عمل سیاسی بدون موضع‌گیری و جهت‌گیری به مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی، دینی و غیره فرمالیته و شکلی خواهد بود. یک نشریه بایستی دیدگاه خود را نسبت به مسائل عمومی بیان نماید به طور مثال اگر رویکرد جامعه در حال حاضر مسئله عدالت و عدالت‌طلبی است، بی‌طرفی نسبت به آن عمل سیاسی خطرناکی است که از ساحت یک نشریه که مطالبات جامعه گی‌ها را به دوش می‌کشد دور خواهد بود. اگر نشریه بتواند در استراتژی میان‌مدت و بلندمدت خود بحث‌های روزمره ژورنالیستی میان افراد گی‌ها را به صورت هفته‌نامه چاپ نماید و بحث‌های تخصصی را در قالب ماهانه و به صورت تفکیکی ارائه دهد. این مورد می‌تواند گام مهمی در فرهنگ‌سازی میان افراد گی‌ها گردد. هر

چند نشریه یک‌گام یک‌ساله را برداشته است لیکن می‌تواند تا چند سال آینده حداقل پنج‌جاه‌شست هزار نفر را جذب نماید. بنابراین تفکیک میان مطالب تخصصی و کوتاه‌کردن دوره‌های چاپ یکی از اهداف مهم در جهت نشر و اشاعه فرهنگ خواهد بود.

در مطالب فوق سعی گردید که چگونگی پرداختن به مسائل طرح‌شده در مجموعه مقالات بعدی به ارائه راه‌کار و پیشنهاد خواهیم پرداخت.



از رنجی که می بریم : بی معرفت

اشکان حسیان

سلام. عید همتون مبارک. امیدوارم سال خوبی واسه همه باشه، سال جدید و

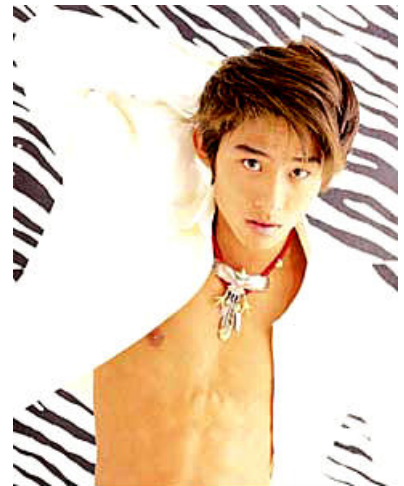


رفتار جدید. ایشالا چیزایی که بدن و زیبنده ما نیستن و در عین حال هم بسیار مکیف هم هستن از خودمون دور کنیم. یکیش **بی معرفتیه**:

بهش sms میزنی، یکی دوتا ... ۱۷ تا، نخیر! نه جوابی نه مقابله به مثلی. انگار تو نوکر حلقه به گوششی که باید هر روز و هر هفته براش sms بزنی. Sms نرنی رابطتون تموم میشه، بزنی هم اینجوری. بعد یه مدت بهش زنگ می زنی که بابا چی شد؟ خیر مرگت چه غلطی داری می

کنی؟ چه مرگته؟ چرا جواب نمی دی؟ میگه کی sms زدی تو؟!!!! بچه پر رو یاد گرفته. جکهای دسته اولو مفت مفت براش فرستادی، کوفت کرده حالا داره نُشخوار میکنه، که الهی کوفتش بشه، حالا میگه نرسید.

به موبایلش زنگ می زنی اگه برداشت، بر نمی داره که. اگه برداشت هر چی تو میگی درسته. بعد دویست سیصد بار شمارشو گرفتن، بالاخره از رو میره، گوشیشو برمی داره، بهونه هاش به کنار. حالا اول بدبختیه، باید بهش نشونی بدی که کی هستی. میگی بابا من همونم که خرش کردی، همون که سوارش شدی، همون که آوارش کردی، همون که به خاک سیاه نشوندیش، اشکان خره، دیگه. نشناختی؟ میگه نه! من اشکان خره



نمی شناسم!!!! اسم روت گذاشت. خره. بین چقدر بهت لطف داره. **بی معرفت. Email** براش می زنی. یه بار دو بار پنجاه بار. اگه بهت جواب داد. خیر مرگش سقط شده. نمی دونم کدوم قبرستونی دفنش کردن که دستش به coffee net هم نمی رسه. بابا جواب بده دیگه. اگه کارت نداشتی که بهت email نمی زدم که. آخه کدوم دسته گاوهای وحشی افتخار داده از روت رد بشه؟ اگه نمی خواستی جواب بدی چرا به من email خودتو دادی؟

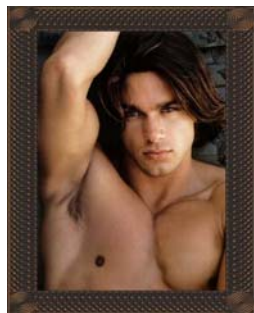
باهاش داری حرف میزنی عین اینکه داری با یه آدم شیرین مغز حرف میزنی. بابا الو. هی... کجایی؟ بابا با تو آم. حواست کجاس؟ گل که لگد نمی کنم. هو... عمو... نخر. بچم، دورش بگردم، از بالای درخت افتاده، محش دیگه کار نمی کنه. بابا مگه لالی؟ خوب یه چیزی هم تو بگو. ازت که کم نیاد. بابا حرف زدن که مثل sms زدن نیست، خرج نداره که. اون sms بود که جواب نمی دادی می ترسیدی مفلوک بشی. آخه خبر مرگت یه چیزی بگو. دهنم کف کرد از بس قربونت رفتم. از خودم دیگه داره یواش یواش بدم میاد (دیگه ازت بدم میاد پیشم نیا عروسکه!) از بس از خودم گفتم و تو هیچی نگفتی. بابا یه سری تکون بده. یه لبخندی بزن. یه اهمی بکن. آخه آدمم آنقدر گند نوبره. بابا خفم کردی. نخر. لال لاله. زبونشونو مغولا قرن هفتم بریدن. اینا خونوادگی لالن.

داری باهاش چت می کنی، **slow motion** جواب میده. لمس لمسه. جونش بالا میاد یه کلمه تایپ کنه. از بس عرق می خوره که این عکس العمل حاجی از ثانیه و صدم ثانیه گذشته، رو ساعت صحبت کن.

از بس شب تا صبح به کس و ناکس می ده که دیگه واسه این دستا رمق نمونده خبر مرگش تایپ کنه. گشاد گشاد تشریف دارن. اصلاً انگار داره **online** میده که وقت نداره به تو جواب بده. عین این دخترا می مونه. هی **BUZZ!! BUZZ!! BUZZ!!**



نخر. هیچ خبری نیست. آقا فوت کردن. ایشالا. ایشالا. حلزون پیش اینا موشکه. بابا. مردشور. خاک بر سر. چه مرگته اینجوری میکنی. من که تا ابد **account** ندارم. خداد تومن پول هر ساعت اینترننه. خوب خبر مرگت بگو بای خلاص کن. چرا ایقدر قمیش میای. میگن جنده چو جنده بیند خوشش آید خبر مرگش. این بابا هم عین این خاله زنکها داره پای **voice** وسط **room** جایکه همه دارن گوش میدن، میگه: آره خواهر، می خوای قرمه سبزی درس کنی اول پیاز داقشو بریز بعد سبزیشو سرخ کن، بعد... میکروفنتو



اینجوری درست کن... آره ما داشتیم می رفتیم شمال، تو راه شمال من داشتم ناخونامو لاک می زدم که یهو... آره ننه جون این سیاوش خُله رو میشناسی؟ دیشب رفتم پیشش... آره من وقتی بخوام برم کانادا اول یه خط می خرم بعد شمارشو به همه میدم که مردم یهو فکر نکنن من کانادا نیستم و... آخه خرمگس. بز. شیپیش روم جای این حرفاس؟

داهاتی. کُمبُزه. طوطی. نفهم. Voice رو گذاشتن تو با رفیقت از این و اون بد بگی. خوب برو یه conference وا کن اگه انقدر با سوادی، با دوستت تا شب حرفای خاله زکی بزنین. Voice رومو چیکار دارین آخه کنه ها. نمی شه دیگه. اینا کِرمه. اگه وسط روم پز کاناداشو نده بره به کی پز بده؟ به بابا ننش؟

جدیدن یاد گرفتن هی میگن عکس بده به خدا عکس میدیم، وب بده به خدا وب می دم. به خدا به خدا. خدا به کمرت بزنه. سقط شی الهی. بری زیر گُل. خفه شی الهی. تو اگه میدونستی خدا چیه که انقدر راحت قسم نمی خوردی خیر مرگت. بگو عکس ندارم. بگو عکس دارم نمی دم. بگو از بدترکیبی به گودزیلا گفتم زکی. مرد باش. مگه چیت کم میشه راستشو بگی همیشه؟

زنگ میزنی بهش، میگه الان کار دارم، شمارت همینه؟ خودم باهات تماس میگیرم. حتماً بهت زنگ می زخم. حتماً. دیگه خواب نداری داداش. شب، صبح، وقت بی وقت، همش باید منتظر تلفن این نسناس باشی. اگه زنگ زد. جونش بالا بیاد نمی دونی کدوم طویله ای داره کاه و ینجه می خوره که وقت نکرده بهت زنگ بزنه. خودت حوصلت سر میره بهش می زنگی. میگه !! یادم رفت. پیش میاد دیگه. حالا مگه چی شده؟ حالا اگه معذرت خواست؟ همش یه عذر خواهی خشک و خالی کارشه. اگه کرد. نمی کنه که. میگه اصلاً خوب کاری کردم. رفته بودم آلمان بگردم. بعد شروع میکنه دست پیشی میگیره که پس نیفته که: اصلاً خودت چرا بهم یادآوری نکردی؟ اصلاً خودت قهر کردی. تو کارم داشتی نه من! چرا sms نزدی؟ خودت قهر کردی؟ من فکر کردم اینجوری، من فکر کردم اونجوری.

سوسکا! نمیگه چرا علف یادم نمی ره بخورما. نمی گه چرا یادم نرفت سر موقع تریاکمو بکشما. سبزی پلو. شیپیش. کاهو. بابا! من احمق فکر کردم تو آدمی زنگ زدم عیدو بهت تبریک بگم. که الهی آخرین عیدت باشه. الهی دیگه نباشی. آخه نعشه! خاک بر سر من. خاک! دو دستی! به عجب میمونی می خواستیم تبریک بگیم ما. یه سال ندیده بودیش یادمون رفته بود عجب توله سگیه.



بهت زنگ میزنه عین این طلبکارا بهت میگه که ببین الان ساعت ۱۱،۳۰ هستش بیا ببینمت (امر ز فرماندهی کل قوا می رسد!). می گی بابا الان چه موقع قراره. الان که لنگ ظهره. بذار واسه بعد از ظهر. میگه نه! همین الان! من ساعت ۱۲ باید برم کلاس! خاک و چوک! یعنی تو رو به اندازه یه پاکت زباله هم حسابت نمی کنه. آخه من تا لباس

بیوشم، تا آماده شم، تا بخوام پیام که یکی دو ساعت طول میکشه توله سگ.



چه جوری پیام خبر مرگت؟ بچه دماغو، یه دستمال بخواد بخره هم یکی دو ساعت وقت میذاره ها، اونوقت واسه تو، کسی که می خواد یه عمر باهات باشه، همش نیم ساعت وقت داره!! این دیگه کیه بابا. خدا مثل اینو رو زیاد نکنه. آخه کت و شلوار، کدو تنبل، من به تو چی بگم؟ تو انسانی؟ شخصیت داری؟ درک داری؟ احترام سرت میشه؟ آدمی؟

تو خودتی، مشغول کاراتی، سرت به بدبختیای خودت گرمه، که یهو از سقف پیداش میشه. عین جن بو داده. خدا خفش کنه هر کی تار موی این فولادزره رو آتیش زد.

زنگ میزنه که: چاکریم، مخلصیم، نفس من بیدی، هزار بار قربونت میره، تو بهترینی، تو بی نظیری، عزیزم (!!!!!!!!!!!!!! من؟ عزیزم؟!!!!!! خودتی!! من شدم عزیز تو!!! از کی تا حالا!!! مطمئنی!!). شارژ میشی، امید به زندگانی در تو به میزانه ۱۰۰۰٪ رشد میکنه، انگار داری رو آسمونا پرواز می کنی (حافظا!!)، همینجوری داری تو خودت سیر میکنی که..... آخ!... خنجر و زد! از پشتم زد! آخ! تا دسته رفت تو! میپرسه: ماشین من نزدیکه خونه شما پنچر شده میای درستش کنی؟ من امروز یه چک دارم پول باهاته؟ با ماشینت میای دنبالمون بریم گردش؟ یا اشکان اینترنت داری؟ اینترنت من تموم شده یه پروژه دارم باید از اینترنت

search کنم!.... (بدون شرح!)

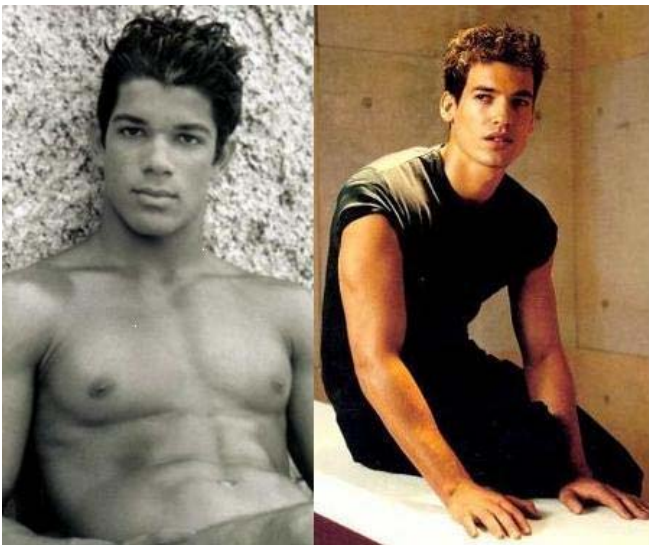
قرار که گذاشتی همش تو باید بری دنبالش. همش تو باید بهش زنگ بزنی. همش تو باید ماشین ببری. همش تو باید از اون تعریف کنی. همش تو باید برایش یه چیزی ببری. تو باید از خودت مایه بذاری. تو باید قراراتو به خاطر اون **cancel** کنی. تو باید خودتو با اون تطبیق بدی. تو



باید بهش احترام بذاری.

تو باید از چیزایی خوشت بیاد که اون خوشش میاد. تو باید همش قرقرای اونو تحمل کنی. تو باید همش اطاعت کنی. همش تو باید دلت برای اون تنگ بشه. دو ماه پشت سر هم هی بهش یا SMS می زدم یا زنگ، بعد چهار ماه تموم بهش زنگ نزدم، وقتی رفتم عیدو بهش تریک بگم میگه کار داشتم! نتونستم زنگ بزنم! آخه ۴ ماه؟ مگه یه زنگ چند ثانیه وقتتو میگیره؟ مگه تو آدم نیستی؟ پس چرا با من این همه وقت بازی کردی؟ چرا هی بهم گفتی دوستت

دارم، دوستت دارم؟ من که از تو خوشم نمیومد. روز اول که دیدمت حالم ازت



بهم خورد. هی زبون بازی کردی تا اسیرت شدم. می خوام ببینم اگه دوستم نداشتی چه بلای آسمونی نازل میشد چی می شد؟

تو چی به من دادی؟ من به تو عمرم رو دادم. فکرمو. ذهنمو. وقتمو. شایدم همه زندگیمو. اما تو چی؟ یه بار شد که تو به من زنگ بزنی؟ یه بار شد یه گوشه ای از تنه ایامو پر کنی؟ یه بار شد تو دلت برام تنگ بشه؟ یه بار شد

احوالو بپرسی؟ یه بار شد تو بیای دنبالم؟ یه چیز شد که من از تو یاد بگیرم؟ آخه تو چی داری که این همه ناز می کنی؟ کم نازتو خریدم؟ کم بهت رسیدم؟ کاری بود که بگی و من برات نکنم؟ من نبودم که اون بدبخت قبلیه پارت کرده بود. عمرمو تباه کردی. هر وقت که بهت فکر می کنم از خودم

بدم میاد. هر کی دیگه جای من بود همون روز اول جرت میداد، اونوقت تو باید دنبالش می دویدی. تو عشق چه می فهمی چیه؟ محبت چه میدونی چیه؟ بچه ای. اصلاً قلب نداری. احساس نداری. از گی بودن فقط کون دادنشو یاد گرفتی.



باهاش بار اول چت می کنی، درد دل می کنی، بهش احساس نزدیکی می کنی، فکر می کنی اون همونیه که یه عمر دنبالش، اونم از خودش کم نمی ذاره،

بالا شهری، قد بلند، تحصیل کرده، شوخ، خوش خنده، اما زرنگ (حاجی دو رو و دو رنگه، حاجی خیلی زرنگه). عکس نمیده، میگه اینجا گالری واز نکردم که. تلفن نمیده میگه تو بده من زنگ میزنم. اسمشم از این اسم قلمبه هاس. خلاصه بدجوری اسیرت میکنه. همش به اون فکر می کنی. شده برات یه احساس. نمی تونی بهش فکر



نکنی. تلفنتم گرفته دیگه الان هست که زنگ بزنه. نمی زنه که نمی زنه. خلاصه به هر بدبختی بعد از دوباره باهاش میچتی، با هزار خواهش و التماس مجابش میکنی که زنگ بزنه، بالاخره حاج آقا میزنه. می بینی نه بابا صدام ماهه. کلی باهاش درد دل میکنی. کلی ازش خوشت میاد. دیگه خواب و خوراک نداری (روزاً با تو زندگیو پر از قشنگی می بینم، شبا به یاد تو همش خوابی رنگی میبینم). هی برات sms خیرات میکنی. جواب بی جواب. انگار داری وظیفه انجام میدی. بعد دیگه طاقت طاق میشه. نه زنگی نه sms انگار هفتا کفن پوسونده. بهش می زنگی که خبر مرگت کدوم خراب شده ای بودی؟ خوب اگه از من خوشت نیاد بگو. منم راحت میشم. میگه نه اختیار دارین و از این حرفای صدتا یه غاز. بعد دیگه آشتی میکنین و دیگه کلی قربون هم میرین. تو احمق باورت میشه! بعد یه مدت باز گورش گم میشه. باز معلوم نیست کدوم

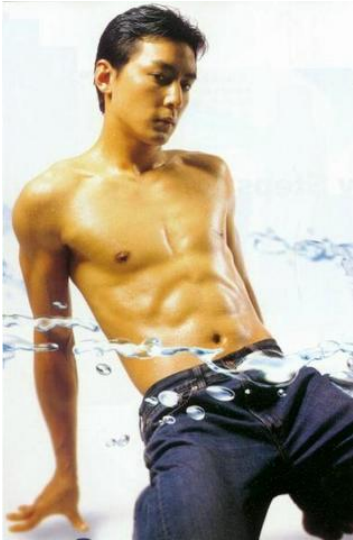


بازداشتگاه حبسه. همه کس و کار ما رو هم میشناسه. باز بهش زنگ میزنی که بابا بیا من حداقل یه بار ببینمت. میگه کار دارم باشه واسه تعطیلیا. تو تعطیلیا هم نمی زنگه. دیگه بی خیالش میشی که یهو... sms!!! من؟! فلانی به من sms زده؟! نه بابا!!! خوابم یا بیدارم؟! امروز آفتاب از کدوم طرف درومده؟! حالا

بگو چی نوشته بود؟ اصلاً باورتون نمیشه. حدس بزنین. نوشته بود: "Valentineoon happy bashe". یا بسم الله! یا حضرت عباس! فلانی؟ sms؟ به من؟ اونم راجع به valentine؟! نه بابا. نکنه دارم خواب میبینم؟ نه! من که باور نمی کنم. بهتره باور کنم چون دوباره sms زد!! بعدی از اینم عاشقانه تر بود. غلط نکنم یا تریاکش به موقع رسیده یا مست بوده. القصه. خودش بود. دیگه داشتم میترکیدم.

بهش زنگ زدم. درست فکر کرده بودم. تریاکه رو زده بود. گفت ایشالا همو ببینیم تو عیدیه!!! فلانی؟ قرار؟ اون که از سایشم می ترسید؟ قرار؟ نه دیگه مثله اینکه شاید ایندفعه من مست بودم! دیگه داشتم لحظه شماری می کردم که کی میتونم ببینمش که باز گورشو کم کرد. همه اینا باورتون نمیشه ولی دقیقاً ۸، ۹ ماه طول کشیده بود. بالاخره online دیدمش. بی همه چیز هر وقت online میشه یا از اول invisible هستش یا visible هست بعدش invisible میشه! پای چت دیگه احترام و خجالت و اینا معنی نداره. خیلی راحت بهم گفت: "ما

نسبت به هم هیچ تعهدی نداریم" !!! همین؟ خاک بر سر، تریاکی، شیره ای، عرق خور، همین؟ چطور میتونی چنین حرفیو بزنی؟ تو که همه چیز منو میدونی؟ تو که ۹ ماه عمر نازنین منو تلف کردی که اگه ساکسیفون زده بودم الان التون جان بودم. اگه می رفتم می دادم الان کل شهر آباد شده بود. تو منو بازبچه خودت کردی. هر وقت خواستی با من عین عروسک، بازی کردی هر وقتم نخواستی عین دستمال دهن تو با من پاک کردی انداختیم دور. حالا میگی هیچ تعهدی به هم نداریم؟



ببین دوستان. خوب نیست آدم همه چیز رو برای خودش بخواد. آدم باید فداکار باشه. هیچوقت آدم لات، بد دهن، بی شعور، بی حیا، لابلالی، هرزه و (در این قسمت) **بی معرفت**، مورد علاقه مردم نبوده. اما مسأله اینه که ما چقدر این اوصاف رو به خودمون منتسب می دونیم؟ هی به این و اون نگیم جنده و خودمون بدتر باشیم. مصادیق فوق اگه مصادیق بی معرفتی نیست پس چیه؟ خدا وکیلی این اوصاف تو شما نیست؟ اگه بگی نه خیلی بی معرفتی کردی. خیلی پستی. پس من این اوضاع و احوالو از مردان مریخی الهام گرفتم؟ یا زنان ونوسی؟ کی می خوای آدم بشی؟ خودت خوشت میاد یکی همین رفتارو با خودت بکنه؟ دوست داری تحقیر بشی؟ پس بی معرفتی نکن. این کارا زیبنده شخصیت انسان نیست. جواب sms، email، نامه، off line، مثل جواب سلام واجبه. اگه از یکی خوشت نیاد مرد باش همون چت اول، همون قرار اول، بهش بگو. اذیتش نکن. اونم مثل تو آدمه (اگه تو آدم باشی). قول نده. کی مجبورت کرده قول بدی. همه که مثل تو جنده نیستن تو فکر هزار نفر باشن. دل دارن. میرن تو فکر و خیال. از کار و زندگی میمونن. پس بیخودی نگو "حتماً بهت زنگ میزنم"، "من باهات تماس میگیرم" و هزار تا حرف مفت دیگه. یه بارم تو اول عکس بده. یه بارم تو sms بزن. یه بارم تو زنگ بزن. چقدر منت تورو بکشه. اینبارم دیگه منتت رو نمی کشم. فکر کردی اگه بری چی میشه؟ هان؟ هیچی! گورتو کم کردی. دیگه ازت بدم میاد، خیلی دلم ازت پره، بدون که هیشکی مثل من گول تورو نمیخوره، اسم منو دیگه نیار، حتی سراغم نگیر، یه آدم خوبی بشو، یا توی تنهایی بمیر.

(احتمالاً!) ادامه دارد.

سازمان همجنسگرایان ایرانی در نمایشگاه پاریس

بابک امیری - عضو گروه سردبیری و نماینده سازمان در فرانسه

در هفتمین بهار میان سازمانهای همجنسگرایان در پاریس شکوفه ای رویید و فضا را عطر آگین کرد.



با آرزوی برسمیت شمردن حقوق بشر و رعایت آن در این بهار جدید.

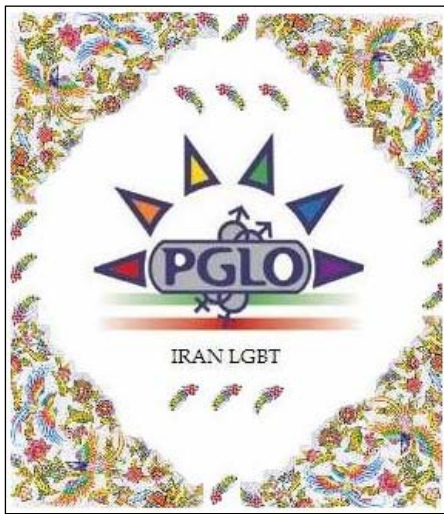
برای اولین بار در تاریخ، سازمان همجنسگرایان ایرانی (PGLO) میان سازمانهای همجنسگرایان فرانسه قرار گرفت. سازمان همجنسگرایان ایرانی با حضور خود در این سالن مورد استقبال فراوان و سراسر همراهی و هم دلی قرار گرفت، بازدید کنندگان با سوالات فراوان

درباره امور ایران و مسایل مربوط به همجنسگرایان ایرانی در داخل بنا به اینکه آیا همجنسگرایی از دیدگاه قوانین جزایی کشور، مقررات شرعی، نحوه و اثبات آن به عنوان یک جرم و چگونگی مجازات ها، در مورد اعدام های اخیر در مشهد، گرگان و دیگر نقاط ایران از ۲۷ سال پیش تا حال؛ شلاق خوردنها که در اینجا بعنوان شکنجه از آن یاد می کنند همینطور در باره زندان ها و زندانی ها و اینکه افراد زیر سن قانونی در آنجا زندانی می شوند با توجه به روزشماری برای احساس طناب دار بر گردنشان، گردنی کوچک و حساس که هنوز طعم زندگی را بطور کامل نچشیده و از پستی و بلندیهای آن آگاهی نداشته است و حتا در مورد تکامل بدنی هم که جای سوال است؟ چه رسد به چگونگی تجاوز در مورد آنها و خوب گاهی جرمها به مانند القاب که پشت نام فردی اضافه میشود، جرایم هم به همان صورت است و هر کسی این را نداند ملت که باخبر است و دیگر آنکه در قرن ۲۱ ایرانیها چگونه می توانند شاهد اعدامها و کشتارها باشند؟ در جایی که دیگر کشورهای متمدن سعی بر لغو اعدام میکنند. اینها گزیده ای از سوالات بیشماری بود که در این نمایشگاه مورد پرسش قرار گرفت. بلاخره از ما دعوت شد که مصاحبه ای با یک رادیو محلی برای معرفی و اعلام موجودیت همجنسگرایان ایرانی انجام پیرد و حاضران با حضور خود در محل ویژه سازمان حمایت قلبی از سازمان همجنسگرایان ایرانی را اعلام کردند.

بنا به گزارش ایلکو دات کام، بهار سازمانهای (ال ژ ب ت) در سال ۲۰۰۶ با گشایش هفتمین سال بهار بین سازمانهای همجنسگرا در اول و دوم اپریل با دست یابی به یک موفقیت بالا طبق اظهار برگزار کنندگان ۱۶۰۰ نفر بازدید

کننده در این مکان حضور داشتند . سازمانها متشکل بوده از ۸۰ گروه مختلف ورزشی، سیاسی، اجتماعی، پشتیبانی، شنوداری و راهنمایی. در این نمایشگاه بروشورهای فراوانی توزیع شد و قوانین جزایی و محکومیت های قضایی را تشریح دادیم. همچنین نشریات چراغ، ماه، دلکده و بیداری و رادیو را نیز با تهیه تیکت های تبلیغاتی معرفی نمودیم. همچنین موفق شدیم امضای تعدادی از شخصیت های فرانسه را در حمایت از همجنسگرایان ایرانی جمع آوری نماییم. در زیر توجه شما را به گزارش تصویری که از این نمایشگاه تهیه شده است جلب می نمایم.





We Support the Iranian Gay and Lesbian Community

Pétition contre l'homophobie en IRAN

Nous remercions toutes les personnes signataires pour leur soutien.

N	NOM	SIGNATURE
	LARRIERE F	
	JARRIERE Mya	
	AZOUZ Ismael	
	ALVI Yousef	
	Alvares DAISYETE	
	Fauler Danytal	
	VINESCHUCI	
	SECOURI SOLE	
	LE BOUTE GILLES	
	BENAY Cécile	
	DIARRA Eliezer	
	LEBOUX Stéphane	
	Ferre mickael	
	de Lussichantre	
	HARTIN	
	GASTIN	
	P. ARIELSON	
	ROBERT Brigitte	
	Picoune Sébastien	
	DUVEZ Michel	
	Wassim Bassal	
	Wahid	
	COMTEAU Michel	
	LEGRAND Richard	
	CHAVAT Eric	
	CHENEAU Philippe	
	BUSCAGLIA Gérald	
	BRAHAMI MARIUS	
	STHIAN CORNEL	
	J. de la FALLOT	
	CHOUKREI Lohandine	
	E. GUTMANN	
	LEWISKE Lina's	
	CAPONTE Dan	
	PHYEN Louise	
	John DARSON	
	RIFFARD Jean-Louis	
	Stéphane HENRI	
	SIT LAUREN	

ORGANIZATION des gays et des lesbiennes D'IRAN

IRÉNEE MAGAZINE GOVERNMENT

SIAMO NABA ED TV NABA GOVERNMENT

دکتره

BELAUBI MAGAZINE LETTERS

NABA MAGAZINE GOVERNMENT

www.belaubi.org

www.iran.gov

رباب محب

افکت از دیدگاه روانشناسی و عصب شناسی همانطور که در بخش اول آمد زندگی احساسی تعریف می شود. احساسات ما در خلاء شکل نمی گیرد، بلکه در رابطه با محیط و دیگران است که ما امکان کشف و بروز آنها را می یابیم. احساسات ما به ما توان حرکت و زندگی کردن می دهند، به اعمال و کردار و تجربه های ما معنا می بخشند و بدین لحاظ دارای نیرو و سمت و سو هستند و بقول نورمل (۲۰۰۴) بدون وجودشان زندگی معنایی ندارد. نورمل با الهام از افکار و نظرات گلن در کتاب خود «پستوی درونی معلم» می نویسد:

"احساسات تنها نماینده ی انگیزه های ما نیستند، بلکه از طریق آنهاست که ما می توانیم دریابیم بر ما و دیگران چه می گذرد" (ص ۲۳).

زندگی اجتماعی بر مبنای همکاری ریخته می شود و همکاری - همانند دیگر رفتار های انسانی - دارای پیش فرضیه هائی است که بدون آنها امکان نایش و بروز نمی یابد. ما باید از سنین کودکی چگونه رفتار و عمل کردن در شرایط مختلف را بیاموزیم و اینجا یادگیری زبان نگاه، حرکات دست و صورت و بدن همانقدر حیاتی است که آموختن زبان گفتاری. ما همچنین باید بتوانیم قبل از رفتار کردن شرایط و اعمال را ارزیابی کرده و رفتارمان را در محک سنجش درونی قرار دهیم (درونی شدن رفتار ها). تامکین از نُه افکت اولیه نام می برد که همراه با نوزاد (صرف نظر از فرهنگ و محیط پیرامون کودک) متولد شده و طی زندگی فرد شکل و رنگ می گیرند. به زبان دیگر افکت های نُه گانه منشاء بیولوژیکی دارند. تامکین این افکت ها (احساسات) را در سه رده تقسیم بندی می کند:

اول - احساسات **خنثا** : ۱- تعجب و شگفتی

دوم - احساسات **مثبت** : ۲- علاقه و تمایل ۳ - شادی و نشاط

سوم - احساسات **منفی** : ۴ - خشم و عصبانیت ۵- ترس وحشت ۶ - سرگشتگی و اندوه ۷ - بی تفاوتی ۸- بیزاری و نفرت ۹ - شرم

تامکین افکت های نُه گانه را احساسات و حالات دیسکرت (اینجا به معنای جداناپذیر) می نامد. به نظر او این احساسات در نهادخانه کودک و گاه دور از دسترس او و بدون خط و مرز مشخص همواره وجود دارند. کودک به مرور زمان و در کنار افراد خانواده اش بهره جستن از این افکت های نه گانه و تعبیر و تفسیر آنها را می آموزد. از آنجائی که احساسات نه گانه از وقایع روزمره ی زندگی، تجارب، افکار و خاطره های فرد تأثیر می پذیرند، همواره به شکل مرکب و چند بعدی بروز می کنند. اینجا من بر آن نیستم که به تعریف تک تک افکت های نه گانه بپردازم و تنها به شرح معنای **شرم** - به لحاظ تازه بودنش - خواهم پرداخت. به عقیده تامکین شرم

زمانی بروز می کند که زمینه های شادی و علاقه از میان رفته باشد. او با آوردن مثالی ساده به تعریف خود از شرم دست می یابد: تصور کنید در سالن سخنرانی نشسته و به موضوعی جالب و مورد توجه گوش می کنید و ناگهان باد بودار نخود سوپ خوشمزه ای که قبل از سخنرانی خورده اید از شما خارج شده و انزجار بغل دستی هایتان را سبب می شود. نتیجه ی نگاههای تحقیر آمیز چیزی نیست مگر احساس شرم کردن شما. شما سرخ شده و آرزو می کنید زمین زیر پایتان دهان باز کرده و ببلعدتان. از آن لحظه به بعد دیگر جایی برای شنیدن و شنیدنی ها نمی ماند.

به نظر تامکین خجالت، شرم و احساس گناه در واقع یکی هستند و آنچه آنها را از هم متمایز می کند، رابطه و شرایط وقوع آنهاست. خجالت اغلب در مقابل غریبه ها صورت بیرونی می یابد. احساس گناه هنگامی به دست می دهد که فرد قراردادهای اجتماعی و مرسوم را زیر پا نهاده است. در حالی که شرم نتیجه ی مستقیم یک شکست است (از نوع مثالی که آمد). عمر شرم در دنیای روانشناسی چندان دراز نیست. این احساس سالها از نظر روانشناسان دور و بی اهمیت مانده و کمتر مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. دونالد ناتانسون یکی از معدود کسانی است که به این مقوله پرداخته است. او در کتاب خود «شرم و مباهات» انواع شرم را به چهار دسته تقسیم کرده و با ارائه ی **قطب نمای شرم** تعریف خود را از شرم عینی می کند. به نظر ناتانسون افراد هنگام نشان دادن شرم خود استراتژی های خاص خود را دارند. تجربه های پیشین، خصوصیات فردی و حالات روحی روانی افراد نوع برخورد و نوع شرم را تعیین می کنند. شرم و برخورد های چهارگانه دونالد ناتانسون به قرار زیر است:

۱- **حمله به دیگران:** به جلسه دیر رسیدم، چون مسئولان مدرسه عرضه ی دادن اطلاعات به همکارانشان را ندارند.

۲- **حمله به خود:** یک دنیا معذرت می خواهم. از اینکه دیر آمده ام شرمنده ام. شما حق دارید عصبانی شوید. من باید وقت شناسی یاد بگیرم.

۳- **عقب نشینی:** نگفته بودم که من در جلسه شرکت نمی کنم. مثل اینکه کارهای دیگری هم هست که باید انجام بگیرد.

۴- **اجتناب و پرهیز:** روحم هم از همین جلسه ای خبر نداشت. حالا با این بازجویی های اداره ی آموزش و پرورش چه باید کرد؟ بگوئیم تا ماه آینده؟ ...

احساس شرم کودک (و بزرگسال) را از دریافت دقیق اطلاعات باز می دارد، مانند سدی میان فرد و دنیای بیرون قرار گرفته و راه یادگیری را مسدود می سازد و از همین روی است که نورمل از خود و خواننده اش می پرسد: "آیا احساسی دردناکتر از شرم وجود دارد؟ برای تجربه نکردن حس شرم، ما

دست به هر کاری می‌زنیم" (ص. ۸۵). اما شگفتا که اتفاقات کوچک به راحتی می‌توانند این حس را در فرد بیانگیزانند. بطور مثال ما از به خاطر نیاوردن شماره تلفن خود به هنگام نیاز شرمزده می‌شویم. گویی که این فراموشی از بی‌لیاقتی و کودن بودنمان با دیگران سخن می‌گوید و بدینگونه است که شرم مثل سایه ما را همه جا دنبال می‌کند. نالایقی یا ناتوانی جزء جدائی‌ناپذیر احساس شرم است و یا این تعبیری است که ما می‌کنیم. شاگردان مدرسه هر روز هنگام بازپس دادن دروس و تکالیف خود در معرض تجربه این حس قرار می‌گیرند. پای تخته ایستادن مترادف می‌شود با به خاطر آوردن کم‌لیاقتی‌ها و بی‌عرضگی‌ها و با این ترتیب یادآوری مکرر ناتوانی‌های فرد/شاگرد به بخش لاینفک مدرسه تبدیل شده است. امتحان و وحشت از شکست و مدرک (بخصوص در دوران ابتدائی و راهنمائی) یکی دیگر از شیوه‌های یادآوری توانائی یا عدم توانائی شاگردان می‌باشد.

طبیعتاً کودکان (و ما همه) برای رشد و ترقی و تعالی به احساسات خود نیاز داریم و نه بخاطر کوچک و تحقیر شدن‌های مکرر. شکی نیست که رشد و ترقی و تعالی فرد در نهایت به رشد و ترقی و تعالی جامعه منتهی می‌شود. احساسات فراگرفته شده، تجارب آینده و انگیزه‌های بعدی زندگی کودک را رقم می‌زنند و از همین روی است که تاکنون در تعریف خود از احساس شرم با قاطعیت می‌گوید که حس شرم بایستی به نوعی افکت کمکی و برای رسیدن به شادی و انگیزه تبدیل شود (مثبت کردن احساسات منفی). به نظر او لازم است که فرد هر از گاهی برای رهایی از رفتارهای نامطلوب و تحلیل وقایع پیرامون خود باز ایستاده به آنالیز آنها بپردازد.

ثبت کردن احساسات منفی شدنی است. بطور مثال، شما وقتی شماره تلفن خود را بیاد نمی‌آورید می‌توانید بگوئید: ببخشید حافظه ام خوب کار نمی‌کند/ هیچوقت به خودم زنگ نمی‌زنم/ می‌توانید چند لحظه صبر کنید تا به تقویم نگاهی بیندازم؟ البته مثال فوق‌مثالی ساده و پیش‌پا افتاده است و در رابطه‌های پیچیده‌تر به این سادگی نمی‌توان صحنه‌ی شرم را به صحنه‌ی شوخی و شادی مبدل ساخت. اما به هر حال شدنی است و قابل آموختن، البته چنانچه ازدوران کودکی آموخته شود. به نظر براسک (۱۹۸۷) هرگاه کودک هنر دیدن خود از بیرون را بیاموزد، این امر یعنی تبدیل صحنه‌ای به صحنه‌ی دیگر شدنی است. کودک از همان دوران کودکی شرم را تجربه می‌کند. او می‌بیند، حس و رفتار و عمل می‌کند، بدون اینکه نگاهش را بسوی خود بازگرداند. در برخورد با اعمال دیگران (فرد مقابل فرد) است که او به مرور زمان می‌آموزد تا با خود و رفتار و اعمال و افکارش بطور مفعولی برخورد کند. این بدین معناست که

کودک می آموزد از بیرون به خود نگاه کرده و بفهمد دیگران به او چگونه می نگرند. در این مرحله تفاوت های فردی اهمیت چندانی ندارند و دوجانبه بودن تجارب و نقش ها و رفتار های متقابل است که نقش کلیدی را بازی می کنند. با چشم دیگران خود را دیدن (نقش مفعولی) بایستی به موازات نقش فاعلی کودک را به ترقی و تعالی سوق دهد. کودک امکان مقایسه خود با دیگران را می یابد. اما اگر وزنه ی ترازو پیوسته دال بر سنگینی مفعولیت او کند، ریسک آن می رود که او دچار عقده ی خود کم بینی شده و دائماً احساس ضعف و ناتوانی و نالایق بودن و شرم بکند.

به عبارت دیگر کودک در دو تجربه ی موازی یعنی فاعل بودن که مساوی **من** است و مفعول بودن که همان **من را / مرا** است، به استراتژی های زندگی اش دست می یابد یا باید دست بیابد. چگونگی برخورد افراد پیرامون کودک با این دو قطب (من فاعل و من را ی مفعول) نقش تعیین کننده ای در ساختن تصویر ذهنی کودک از خودش دارد. ویی کوت پزشک انگلیسی تصویر ذهنی کودک از خود را « من واقعی » و استرن « من کلیدی » می نامد. ساعات مهمی از عمر شاگردان در مدرسه می گذرد. در مدرسه است که آنها امکان رودروئی خود با افراد جامعه ی خود را می یابند. شناخت و آگاهی معلمان و اولیاء مدرسه از من فاعلی که باید تجربه ی مفعول شدن خود را با چشم خود بیاموزد، نبض آموزش و پرورش و مدرسه است، نه درس و مشق و امتحان.

برگردان تیر کتاب ها از من است: « پستوی درونی معلم » و « شرم و مباهات » اسامی :

Stern ، Winnicott ، Broucek ، Nathanson ، Tomking ، Goleman ، Normell

مأخذ:

Nathanson . D.L (1992):Shame and Pride, Affect, sex and the birth of the self. New York: Norton & CO
Normell. M (2004); Pedagogens inre rum – om betydelsen av känslomässig mognad. Lund : Studentlitteratur.

- مجموعه مقالات (پداف) مونه و نقوص کمال

یک دعا می کنم بگین آمین.....

خدایا آنکه در تنهاترین تنهائیم تنهائی تنهائیم گذاشت

خواهشی دارم...

تو در تنهاترین تنهائیش تنهائی تنهائیش نزار

مشاوره برای همجنسگرایان ایرانی در آلمان

دفتر سازمان همجنسگرایان ایرانی در آلمان به مدیریت آقای شاهرخ رئیسی دبیر فرهنگی سازمان و عضو گروه سردبیری نشریه چراغ با همکاری خانه دانشجو و دانشگاه فرانکفورت اقدام به برگزاری جلسات مشاوره نموده اند که توجه شما را به آگهی آغاز به کار این جلسات جلب می نمایم.

مشاوره حضوری برای افرادی، لزبین، بای سکسول، ترانسجندر از اول ماه می ۲۰۰۶ در فرانکفورت آلمان، هر پنجشنبه از ساعت ۱۰ صبح تا ۲ بعد الظهر در کتابخانه اندیشه (ساختمان آستا، دانشگاه فرانکفورت) برگزار می شود. همچنین کلیه افرادی که مایل به همکاری و حمایت از اقلیتهای جنسی می باشد و یا بر حسب کنجکاوی و علاقه شخصی مایلند که صرفا اطلاعاتی در اینباره بدست بیاورند، می توانند در این ساعات شخصا به ما مراجعه نمایند. ما با کمال میل پذیرای شما هستیم و خوشحال می شویم که ما را از نظرات و

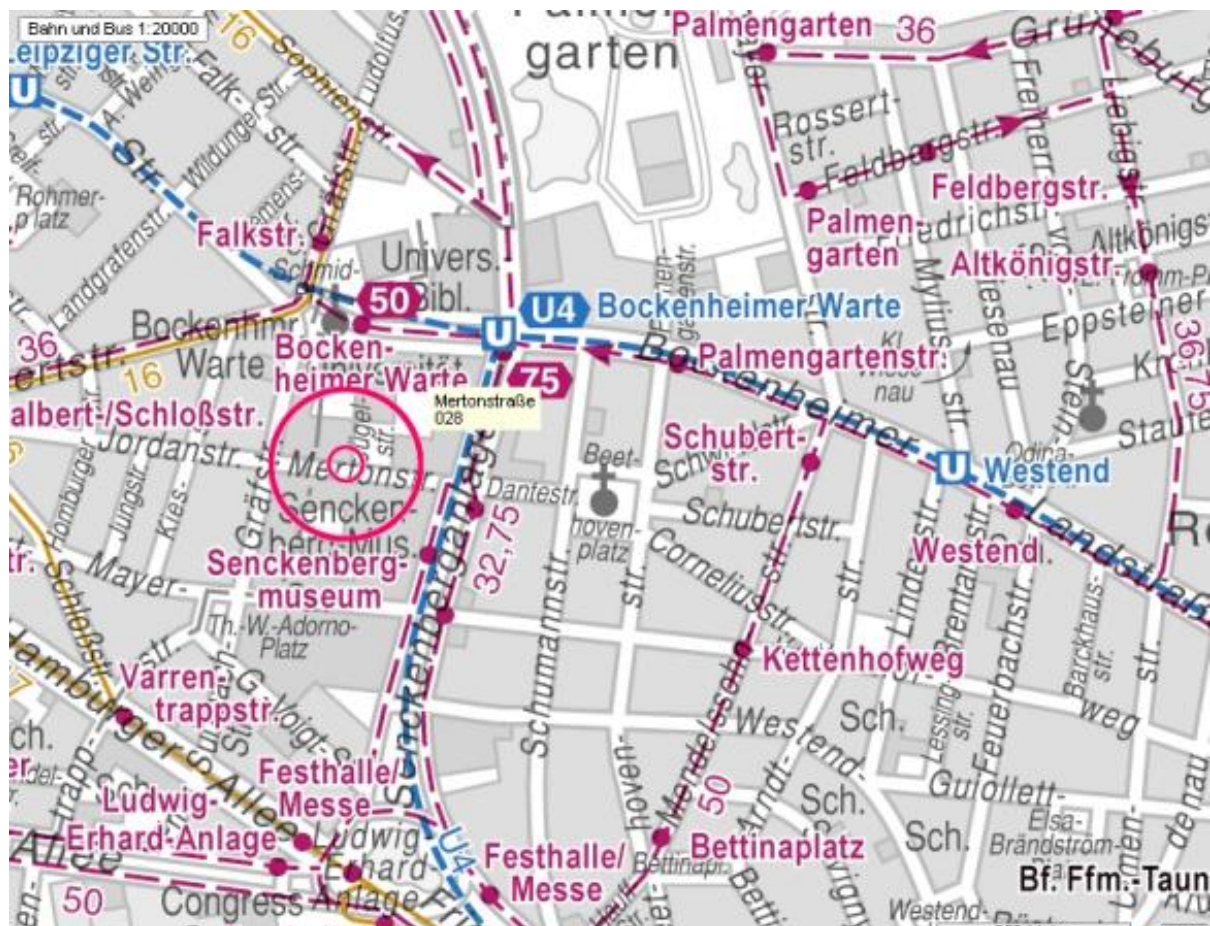
پیشنهادات خود بهره مند سازید. Andisheh-Bibliothek an der Uni. FFM – AstA

Campus Bockenheim, Studierendenhaus

Mertonstr. 26-28, 60325 Frankfurt/Main

Do: 10:00 bis 14:00

<http://pglogerman.blogspot.com>



پای صحبت های آرین ورجاوندی دبیر اول سازمان



درود می فرستیم بر یکی از قدیمی ترین و پرکارترین اعضای سازمان همجنسگرایان ایرانی که نقش بسیار مهمی را در سازمان ایفا می کند و همیشه ترجیح می دهد که نام و نشانی از او نماند. جناب آقای آرین ورجاوندی دبیر اول سازمان که افتخار دادند که پس از مدت ها وقتی به ما اختصاص

دهند و گپی خودمانی داشته باشیم و به منتخبی از سوالات بی شمار اعضای سازمان پاسخ دهند. شاید خیلی از دوستان مایل باشند که با اعضای سازمان بیشتر آشنا شوند. دوستان عزیز سوالات بسیار زیادی را برای ما مطرح کرده اند که آنها را با شما در میان می گذاریم. از ما خواسته شده که اجازه ندهیم که طفره بروید پس لطفا سوالات را کامل و واضح پاسخ گوید.

خوتان را به صورت کامل معرفی کنید.

من آرین ورجاوندی هستم. ۳۵ سال سن دارم و در حدود ۱۱ سال هست که در مکزیک زندگی می کنم. چند سالی است که مفتخر به خدمتگزاری اقلیت های جنسیتی ایرانی هستم و در حال از سازمان همجنسگرایان ایرانی پشتیبانی می کنم و خوشحالم که فضایی ایجاد شده است که همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دوجنسگونگان ایرانی بتوانند در راستای احقاق حقوق خود تلاش کنند.

غذا، رنگ، هنر، ورزش و ماشین مورد علاقه شما چیست؟

کلم پلو، آبی، موسیقی، اسب سواری و پورشه. اما متأسفانه به دلیل مشغله بسیار زیاد نه وقت تهیه غذا و نه ورزش و نه سواری را دارم و تنها می توانم از رنگ آبی دریا و موسیقی بهره برم. پیانو و نی سازهای مورد علاقه من هستند.

آیا مشروبات الکلی و سیگار مصرف می کنید؟

نه به صورت مداوم و همیشگی بعضی اوقات در میهمانی ها و یا جشن ها

عددی که همیشه برای شما شانس می آورد چیست؟

هیچ وقت توجه نکردم که چه عددی برای من شانس می آورد.

تا چه میزان اوقات فراغت دارید و آن را چگونه می گذرانید

بسیار کم. زیرا به شدت مشغول کار هستم و بایستی برای تامین هزینه های زندگی و سازمان تلاشی دو چندان داشته باشم. اما اگر وقت آزادی پیدا کنم سعی می کنم کمی قدم بزنم، خرید کنم و اگر بتوانم دریا را تماشا کنم.

☞ از چه موضوعاتی بیشتر عصبانی می شوید؟

سواستفاده کردن یکی از عمده مواردی هست که من را به شدت عصبانی می کند و لج بازی و غرور در رتبه های بعدی قرار دارند.

☞ از کدام شهر ایران بیشتر خوشتان می آید؟

همه جای ایران زیبایی خاص خودش را دارا می باشد. در شرق مردمان غیرتمند، در جنوب مردمان گرم، در غرب مردمان دلیر، در شمال مردمان طبیعت دوست. شهرهای زیادی از ایران را دیده ام اما از ایلام، اصفهان، شیراز، اردبیل، رشت، قوچان و کرمان خاطرات خوشی را دارم.

☞ آیا شما هم غیبت می کنید و از غیبت هم خوشتان می آید

اگر بگویم نه مسلماً دروغ گفته ام. اما بیشتر سعی می کنم غیبت کردنم با درد دل همراه شود.

☞ آیا شما حالتی دارید که مشخص شود شما گی هستید؟

اگر منظور از حالت، رفتارهای صرفاً زنانه باشد خیر اما اگر منظور حالت هایی باشد که در همجنسگرایان بیشتر دیده شود خوب مسلماً من هم یک همجنسگرا هستم و از این قاعده جدا نیستم. معمولاً افراد متوجه تفاوت من با دیگران می شوند اما این تفاوت ها بد نیستند و با برخورد نرمال جامعه مواجه هستم.

☞ از خوانندگان ایرانی کدام خواننده را می پسندید و کدام آهنگ؟

ما خوانندگان خوب بسیار داریم و برای من بسیار سخت هست که یکی از آنها و آن هم یک آهنگ را اسم ببرم پس به ناچار اولین موردی که به ذهنم می رسد را انتخاب می کنم. خانم هایده، نهمین آهنگ آلبوم فریاد "من از لب تو منتظر یک حرف تازه ام تا قشنگترین قصه عالم رو بسازم...". و خانم حمیرا آلبوم سال ۸۳ آهنگ بی نیازی "من از بی نیازی به ثروت رسیدم"

☞ اصولاً خود ر در زندگی موفق می دانید؟ چرا؟

بله من خودم را موفق می دانم زیرا شکست را به عنوان پلی برای رسیدن به پیروزی باور دارم. بارها شکست خوردم اما از آن تجربه برای رسیدن به موفقیت بهره بردم

☞ شما چه وقت بود که متوجه شدید که همجنسگرا هستید و در آن زمان چه کردید؟

کودک بودم که از احساسات متفاوت خودم شگفت زده می شدم و در دوران نوجوانی بود که فهمیدم من یک همجنسگرا هستم. هیچ کاری نکردم و زندگی کردم و سعی کردم که مطالعاتم را در این زمینه بیشتر کنم و خودم را بهتر بشناسم که خوشبختانه در حدود ۱۷ سالگی بود که گرایش خودم را به عنوان یک مورد طبیعی پذیرفتم و امروز از این شناخت در آن زمان خوشحالم زیرا که اگر خودم را نمی شناختم ممکن بود سرنوشتم تغییر کند.

که به اولین کسی که گفتید همجنسگرا هستید که بود؟

یکی از نزدیک ترین دوستان دگرجنسگرایم آقای سیاوش نیکه.

که آیا خانواده شما از گرایش شما خبر دارند؟

برای خانواده خودم تا زمانی که در ایران بودم خیر. اما در مراجعت های بعدی آنها را از این امر کم کم آگاه نمودم. مسلما در ابتدای امر بسیار شوکه و ناراحت شدند چون من تنها فرزند خانواده بودم اما با توضیحات من و ارائه مرجعهای مناسب کم کم پذیرفتند و خانواده ام با شناختی که از من و روحیات و روابط اجتماعی من داشتند مطمئن می بودند که به ابتذال کشیده نخواهم شد و شاید این امر بسیار کمک کننده من بود. اما دوستان صمیمی ام در آن زمان مطلع بودند و دقیقا یادم نیست که عکس العمل ابتدایی آنها چه بود اما به هیچ عنوان بد نبود.

که اولین دوست پسر شما آیا با شما تفاوت سنی داشت و در کجا با او آشنا شدید و چه مدت با او بودید و بعد از آن چه شد؟

حدود دو سال از من بزرگتر بود و توسط یکی از دوستان مشترک با هم آشنا شدیم و حدود یک سال با هم در ارتباط بودیم اما به دلیل خروج من از کشور این ارتباط قطع شد و در اینجا با یک فرد کانادایی آشنا شدم و حدود ۸ سال و اندی با هم زندگی کردیم و خاطرات بسیار خوبی از این دوران دارم اما متاسفانه حدود یک سال هست که او را در یک سانحه تصادف از دست دادم و هم اکنون او را تنها در قلبم حس می کنم.

که آیا به خاطر این گرایش مشکلی برای شما پیش آمد؟

مشکلات در تمامی عرصه های زندگی به سراغ انسان ها می آیند اما نحوه برخورد با آن از اهمیت ویژه ای برخوردار هست و خوشبختانه تا به حال توانسته ام که مشکلات را از سر راه بردارم.

که چه طور شد که به فکر تشکیل این سازمان افتادید و چگونه رئیس شدید؟

من سال های سال به فکر رسیدن به آزادی حقوقی بودم و همیشه آرزو داشتم که بتوانم این تابوی جامعه را در هم شکنم و به رهایی برسیم. با کمک و همفکری سیاوش نیکه گروه رنگین کمان را راه اندازی کردیم و بعد از آن با توجه به تغییراتی که در این گروه انجام شده بود به پیشنهاد آقای سینتا اقدام به تشکیل سازمان همجنسگرایان ایرانی نمودیم تا بتوانیم به این هدف برسیم. در آن زمان گروه های متفاوتی وجود داشتند که بزرگترین آنها گروه هومان بود و در آن زمان غیر فعال شده بود. با این هدف شروع کردیم که به ایجاد جنبش همجنسگرایان دامن بزنیم و یک فرهنگ همجنسگرایانه را ارائه نماییم.



اهداف زیادی وجود داشت که هنوز به اجرا در نیامده است. من رئیس نبوده و نیستم و نخواهم بود. سازمان همجنسگرایان ایرانی متعلق به تک تک همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دوجنسگوانگان ایرانی است و هر کس حق اظهار نظر دارد و من تنها کنترل سازمان را به عهده دارم که در ابتدا در بین ما سه نفر (آرین، سپنتا و سیاوش) انتخاب شدم و پس از آن به دلیل اینکه دوستان فعال کمی بودند در اولین جلسه غیر رسمی مجمع عمومی در سال ۸۳ که با حضور ۲۵ نفر در یاهو برگزار شده بود برای دو سال بر طبق اساس نامه موقت سازمان انتخاب شدم و تصمیم مجمع عمومی سال ۸۵ مدیریت آینده سازمان را مشخص خواهد کرد.



بعد از شما سمت چه کسی در سازمان بیشتر است؟

ما چرا باید همیشه سیستم ارباب و رعیت را در ذهن داشته باشیم؟ بالا و پایین بودن سمت مهم نیست. خود شما بالاترین سمت را دارا هستید زیرا تمام فعالیت ها برای رفاه شما انجام می شود و شما محور اصلی هستید. من تنها یک خدمتگزار هستم. این وظیفه تک تک ماست که برای رسیدن به هدف مان تلاش کنیم.

آیا ادامه فعالیت های سازمان به کشورهای دیگر هم می رسد؟ من در کانادا هستم و امید قلبی من هست که در اینجا با سازمان همکاری داشته باشم. مسلما این طور بوده و خواهد بود. ما هم اکنون در خیلی از کشورهای اروپایی از جمله هلند و آلمان و بلژیک فعالیت های خوبی داریم. اولین دفتر رسمی سازمان نیز با کمک آرشام پارسی در کانادا راه اندازی خواهد شد و شما دوستان می توانید همکاری های حضوری نیز داشته باشید.

آیا افرادی که در سازمان کار می کنند مستقیم زیر نظر شما هستند و به پیشنهاد شما کار می کنند یا خودشان درخواست می دهند و آیا به کارمندی های سازمان حقوق و مزایایی تعلق می گیرد؟

سازمان همجنسگرایان ایرانی یک سازمان غیر دولتی هست و کلیه فعالان آن داوطلبانه کار می کنند و حقوق و مزایایی دریافت نمی کنند زیرا سازمان درآمدی ندارد که ردیفی برای حقوق و مزایا تعریف نماید. در سازمان معمولا فعالیت ها به صورت نظرخواهی انجام می شود و نظرات افراد مورد سوال تحت تاثیر قرار می گیرد.

با توجه به اینکه عده کمی برنامه ها را دریافت می کنند و در این میان عده کمی هم از آن ها استفاده می کنند آیا تدابیری اتخاذ شده است؟

مسلما برنامه ها و برون دهی های سازمان و نشریات و رسانه ها و ... شامل حال تمامی افراد ال جی بی تی نمی شود و تنها قسمت کوچکی از این جامعه در حال تشکیل شبکه اقلیت های جنسیتی ایرانی هستند و دلیل آن

عدم دسترسی به امکانات است. سایت سازمان در ایران فیلتر شده است و دسترسی ما محدود هست و با توجه به سرعت کم اینترنت در ایران مشکلات زیادتری را داریم اما در صدد هستیم برای آشنایی قشر بزرگ تری از جامعه از رسانه های صدا و سیمای ماهواره ای استفاده کنیم که پروژه های آن در دست مطالعه می باشد.

چه آینده ای را برای سازمان پی جی ال او پیش بینی می کنید؟

سازمان همجنسگرایان ایرانی دو سال است که از فعالیت رسمی آن می گذرد و در این مدت بسیار کوتاه موفق شده است که پلکان ترقی را با سرعتی قابل توجه بپیماید. به عنوان مثال سازمان همجنسگرایان هلند COC حدود ۶۰ سال و سازمان همجنسگرایان سوئد RFSL حدود ۵۶ سال سابقه دارند و تجربیات بسیار زیادی را در این زمینه دارا می باشند اما PGLO در مدت این دو سال توانسته است تقریباً به شهرت این دو سازمان برسد و این یک نکته بسیار با اهمیت هست. حضور نماینده PGLO در پارلمان هلند، همکاری تنگاتنگ با سازمان دیده بان حقوق بشر، عضویت در ایلگا و موارد بسیار دیگر یک موفقیت بزرگ برای جامعه اقلیت های جنسیتی ایرانی است و نشانگر آن است که سازمان توانسته است اعتماد بین المللی را به خود جلب کند. با این گذشته، مطمئناً آینده ای روشن تر پیش بینی می گردد و امیدواریم که با مشارکت و اتحاد همه دوستان بتوانیم این جنبش اقلیت های جنسیتی را تحکیم بخشیم.

روابط شما با دیگر همجنسگرایان در ایران چگونه هست و به نظر شما چرا روابط در میان همجنسگرایان حداقل در ایران اینقدر سرد است؟

ارتباطات من تنها از طریق ایمیل می باشد و دوستان اینترنتی زیادی دارم اما آشنایی کافی از آنها ندارم. روابط همجنسگرایان در ایران سرد نیست یعنی اصولاً ما مردمانی سرد و بی روح نداریم. شاید دلیل این برداشت صحیح نبودن برقراری ارتباط و ارائه نشدن یک فرهنگ صحیح برای اقلیت های جنسیتی باشد که مشکلاتی را ایجاد می کند. با کمی دقت می توان فهمید که خیلی از ما نمی دانیم که هستیم و چه می خواهیم. این موضوعات باید در دستور کار نشریات و رسانه ها قرار گیرد.

به نظر شما اصولاً چرا فرهنگ جامعه و فرهنگ تحمل هم در میان همجنسگرایان ایرانی رشد پیدا نکرده است این وضعیت چت روم ها، این بی اعتمادی ها، این وضعیت قرار ملاقات ها و خودخواهی ها تا کجا باید ادامه پیدا کند چه زمان باید تفاهم جای این فرهنگ زشت را بگیرد؟

دلیل عمده آن ناآگاهی می باشد. بارها این جمله را از دوستان و همکارانم در سازمان شنیده ام که "مردم قبل از اینکه ما را بشناسند انکارمان می کنند" و این نشانگر عدم آگاهی مردم هست. اگر شخصی که همجنسگرایی

را یک انحراف می داند عادت به شنیدن سخنان بدور از تعصب همجنسگرایان کند، مطمئنا خواهد پذیرفت. این تنها مربوط به قشر غیر همجنسگرا نیست قسمت عمده نیرو باید بر خود جامعه اقلیت های جنسیتی متمرکز شود زیرا که تا زمانی که ما به خود باوری نرسیم نمی توانیم توقع اصلاح فرهنگ اجتماع و در نهایت آزادی باشیم. ما این سال را سال آگاهی اجتماعی نام نهادیم تا این موارد را در مطرح و مرتفع کنیم.

چقدر نشریات و ماهنامه های همجنسگرایان را مطالعه می کنید؟ نظرتان راجع به این نشریات چیست؟

سعی می کنم تا حد امکان آنها را مطالعه کنم. به رادیو رها علاقه زیادی دارم نه به خاطر اینکه جزئی از سازمان هست به این دلیل که آینده ای روشن را برای آن می بینم و این امکان هست که در هنگام کار کردن آن را بشنوم و در اینجا به دلیل مشغله های فراوان برعکس ضرب المثل "شنیدن کی بود مانند دیدن" مصداق پیدا می کند. اما نشریه ماها و بعد از آن چراغ و دلکده و بیداری این امید را در دلها زنده می کند که دوستان به تکاپو افتاده اند و آنچه که خیلی ها از آن هراسان بودند اتفاق افتاده است. جا دارد در اینجا به تمامی دوستان و زحمت کشان در نشریات همجنسگرایان و کلیه فعالان حقوق اقلیت های جنسیتی خسته نباشید گفته و موفقیتشان را آرزو کنم. موردی هست که در سوالات مطرح نشده است لطفا بیان کنید.

رادیو همجنسگرایان ایرانی

رها



رادیو رها، صدای همجنسگرایان، صدای مدافعین حقوق اقلیت های جنسیتی، صدای طرفداران زندگی آزاد بدون اضطراب و ترس و شکنجه است. رها بلندگوی همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دوجنس گونه های ایرانی است که از بی حقوقی خسته شده و قدم در راه دفاع از خود نهاده اند.

رادیو خودتان را پشتیبانی کنید و چنانچه مایلید در برنامه ها حضور یابید و با دوستان خود سخن بگویید. برای حضور در برنامه های رادیویی می توانیم از نرم افزارهای پل تالک، اسکایپ و ... استفاده کنیم و به صورت اینترنتی ضبط کنیم. همچنین جهت مسایل هویتی امکان تغییر صدا وجود دارد. رادیو رها را از خود بدانید و به دوستانتان معرفی کنید. برای آن خبر و مطلب تهیه کنید و صدایش را رساتر نمایید.

www.pglo.net
radio@pglo.net

✍️ نظر شما در رابطه با آینده ایران از نظر حقوق بشر و آزادی جنسی و آزادی حقوق همجنسگرایان چیست؟

این سوال را به نحوی در مصاحبه ای که از طرف مجله ماها انجام شده بود پاسخ گفتم. همیشه آینده روشن و امیدوار کننده است. همیشه خوبی ها در راه هستند، همیشه دنیا رو به نیکی خواهد رفت اما بعضی وقتها در این راه مشکلاتی به وجود می آید که دیر یا زود حل خواهد شد. من مطمئن هستم که روزی فرا خواهد رسید که ایرانیان همجنسگرا به آرامش و حقوق خود نائل خواهند شد و این مستلزم صبر و استقامت و اقدامات و فعالیت های برنامه ریزی شده هست. در سال گذشته تصور نمی کردم که این جنبش به این سرعت شکل بگیرد. امروز معتقدم که حتی با وجود جمهوری اسلامی هم می توانیم به آزادی برسیم چرا که این تلاش های مردم هست که قانون گذار را ملزم به قانون گذاری و اصلاحات می کند و قانون به صرف نمی تواند مردم را مجبور کند. به گفته دیگر قانون در خدمت مردم هست و نه مردم در خدمت قانون. باید تلاش کرد، از پا نشست، با اتحاد و همکاری می توانیم حتی رژیم اسلامی که مجازات همجنسگرایی را مرگ می داند را ملزم به شناخت حقوق خود کنیم. نمونه بارز آن سوئیس هست که مردم به خواست خود و بدون دعوت دولت رای به آزادی همجنسگرایان و برسمیت شناختن حقوق آنها دادند و دولت را ملزم به اجرا نمودند. پس می توانیم.

✍️ دلیل همجنسگرا شدن مردان و زنان چیست؟

بیایید از قید و بندها رها شویم و اینقدر به دنبال دلیل و علت و معلول نگردیم. اگر خودمان را به عنوان یک همجنسگرا، دوجنسگرا و یا دوجنسگونه شناختیم و به خودباوری رسیدیم پس هستیم و باید باشیم نه اینکه به دنبال دلیل آن برویم و خودمان را در بستر هزاران راه ناهموار بیندازیم.

✍️ به نظر شما یک گی لایف ایده آل چگونه است؟

یک زندگی همجنسگرایانه ایده آل به نظر من داشتن آرامش روحی و روانی است. خیلی از افراد آن را در داشتن پارتنر می دانند اما این طور نیست. نباید اینقدر مرز بین خودمان و جامعه ایجاد کنیم. زندگی همجنسگرایان همانند زندگی دوجنسگرایان هست. این تفاوت قائل شدن ها بر انزوا و اقلیت بودن دامن می زند. به گفته دوست عزیز خانم مهشید راستی "همجنسگرایی یک شیوه زندگی است" همانطور که دگرجنسگرایی شیوه ای از زندگی است.

✍️ یک خاطره خوب و یک خاطره بد تعریف کنید

خاطرات خوب و بد زندگی را تشکیل می دهند اما زمانی که برای اولین بار به ایران برگشتم با استقبال زیاد تمام اعضای خانواده ام در

فرودگاه مواجه شدم که تا ساعت ها گریه می کردم و فهمیدم که چقدر خانواده کمبود مرا حس کرده اند و خاطره بدی که دارم آن ساخته بود.

آقای ورجاوندی من سال هاست که با گروه های سیاسی همکاری می کنم و به همین دلیل در ایران برایم مشکلی پیش آمد و متواری شدم و سازمانی که من با او همکاری داشتم از من حمایت کرد تا من موفق به پناهندگی شوم. هر حزب و سازمانی اگر کاری برای کسی انجام دهد توقع دارد که فرد مورد نظر برایش کار کند و این یک وظیفه هست. آیا شما نیز برای کسانی که کاری انجام می دهید تعهدی نسبت به همکاری در آینده از آن ها می گیرید؟ تا آنجا که من می دانم پی جی ال او تنها به خاطر حس انسان دوستی تا آخرین حد دنبال مسائل همجنسگرایان بوده و ضمن حمایت از پناهندگی از طریق محافل بین المللی به حمایت این قشر جامعه می پردازد. آیا بهتر نیست شما به عنوان یک مسول از این افراد تعهد می گرفتید که وقتی توانستند به جایی برسند سازمان را فراموش نکنند؟

معمولا ما انسان ها زمانی که نیازمند کمک و حمایت هستیم ادعای همفکری و همکاری و کمک می کنیم اما پس از آن خیلی از آن ادعا ها به دست فراموشی سپرده می شود. به عنوان مثال زمانی که چیزی را از خداوند می خواهیم نذر و نیاز و تعهدی را بر خود مقرر می کنیم که اکثر مواقع آن را ادا نمی کنیم اما خداوند باز به درخواست ما عمل می کند. ما در سازمان همجنسگرایان ایرانی خدماتی بدون توقع ارائه می دهیم. از کسی تعهدی برای کار و کمک نمی گیریم در اینصورت ما خدماتمان را در قبال کار آنها انجام می دهیم و از هدف اصلی خود فاصله می گیریم. اگر این دوستانی که شما عنوان کرده اید مایل به همکاری باشند پس از به اتمام رسیدن پروسه شان باز هم به همکاری خود ادامه خواهد داد اما اگر اینچنین نباشد ما آنها را مورد سوال قرار نمی دهیم. تا به حال مورد های زیادی از این نمونه داشته ایم اما به دلیل اینکه هدف ما صرفا کمک بدون چشم داشت به اقلیت های جنسیتی است این مورد را مرتفع می سازد. این تعهد باید در ذات افراد وجود داشته باشد وگرنه با نوشتن و امضا کردن تعهدهای گفتاری کاری از پیش برده نخواهد شد.

بیایید دست به دست هم دهیم و از حقوق خودمان دفاع کنیم

چرند و پرند

پویا

(من پویا هستم؛ نمی دانم با من تا چه اندازه آشنا هستید، من نویسنده (بهرتر بگویم گرداننده) ستون "من هم هستم" در مجله سه کاف هستم. ستونی مربوط به اقلیتهای جنسی در یک مجله ای که بیشتر مطالبش مربوط به اکثریت بود.) چرند و پرند به زبان عامیانه هست و سعی در ایجاد صمیمت گفتاری دارد و مایل به تغییر ادبیات نوشتاری نیست. فارسی را باید همیشه پاس داشت. شایان ذکر است که این ستون سعی دارد که اخبار و اتفاقات و سخنان مردم کوچه و بازار را با همان لحن شوخ آنها بیان کند و هدف دیگری ندارد.

زندگی به شرط خنده

آسمون به شرط خورشید

با سلام

امروز ۲۵ روزه که از بهار میگذره و من امروز بعد از مشکلات زیاد، وقت پیدا کردم تا ستون چرند و پرند را تکمیل کنم. (اونم چه تکمیل کردنی، شما دعا کنید مشکلات من، مخصوصا مشکل عاطفیم واسه همیشه حل بشه؛ منم قول میدم که دفعه بعد جبران کنم.) این ماه جز هفته اولش که برام خیلی شیرین و رویایی بود، مابقیش پر از مشکلات بود؛ مخصوصا مشکلات عاطفی.

منم زندگی و عشق را به شرط خنده میخوام. چند روز پیش داشتم فکر می کردم (منم بعضی وقتها عجب کارهایی میکنم!!!) که عشق باید باعث آرامش و شادی ذهنی و روحی باشه نه باعث عذاب و ناراحتی. کاش عاشق شدن دست خود آدم بود (مگه چی دست آدم هست که فقط این یکیش کم باشه؟!)) که هر وقت خواست، عاشق بشه و هر وقت هم نخواست، دست از عشقش بکشه. حالا دیگه همه میدونن که پویا عاشقه و عشقش هم بی وفاست. نمیخوام این ستون تبدیل به وبلاگ بشه و خاطرات شخصیم را بنویسم.

آرزو میکنم که مابقی سال مثل هفته اولش شیرین و رویایی باشه تا منم دل و دماغ نوشتن داشته باشم و میخوام به دنیا بگم که آسمونو به شرط خورشید ازت قبول میکنم، زندگی را به شرط خنده و عشق و عاشقی را به شرط خوشی و آرامش ذهن و روحیم.

امروز سالگرد فوت پدر بزرگم بود، مرد دوست داشتنی و محترمی بود، یعنی هست و منم خیلی دوستش دارم. روحش شاد. خوب بریم سر اخبار و مطالب، قبل از آن چند خط جدی:

مذاکره با امریکا و همچنین تکمیل چرخه سوخت هسته ای، دو موضوعی است که بایستی بعد از گذشت زمان و لمس نتایج آن در مورد درست و یا غلط بودنشان بحث و گفتگو کرد.

الف- بئرد از من قرار و طاقت و هوش بت سنگین دل و سیمین بناگوش به به، بازم این رییس جمهور ما خبرساز شد. یعنی ایشان همه کاراش خبره. ایشان ادعا کرده که مردم توی سفرهای استانی بی هوش میشن!!! (اگه تو سفرهای استانی بی هوش میشن، لابد تو سفرهای کشوری جون میدن.) نمی دونم از خنده غش میکنن یا از . . . بگذریم.

(رییس جمهور: مردم در سفرهای استانی من بیهوش می‌شوند! روزنامه شرق) اگه پرزیدنت هوس کرد به شهر شما بیاد، حتما نکات ایمنی زیر را به مسئولین گوشزد کنید.

(۱) قبل از دیدار با رییس جمهور مقدار کافی کاهگل با خودتان داشته باشید. این درمان ساده‌ی سنتی برای افراد به شدت سنتی، به شدت توصیه می‌شود.

(۲) به ستاد حوادث غیرمترقبه پیشنهاد می‌شود قبل از دیدار مردمی با رییس جمهور، چادرهای امدادی در محل برپا کنند. وجود کپسول‌های اکسیژن و دستگاه شوک الزامی است.

(۳) قبل از دیدار مردم از آنان آزمایش و چکاپ کامل پزشکی گرفته شود و به دو دسته «از هوش روندگان» و «از هوش نروندگان» تقسیم شوند. افراد غشی مخصوصاً آنها که خیلی خوش‌خنده هستند و از خنده غش می‌کنند باید قرنطینه شوند.

(۴) برای دسته‌ی از هوش روندگان محل جداگانه‌ای در نظر گرفته شود که آنجا به محض بسم الله رییس جمهور درجا از هوش بروند و زیر دست و پا نمانند.

(۵) توصیه می‌شود در همان محل تشک‌های مخصوصی جهت دسته افراد از هوش رونده تعبیه شود که

خدای نکرده آسیب نبینند و اعتبار دولت خدشه دار نشود. این طوری با یک بیهوشی تیز مواجه خواهیم بود.

(۶) اکیپی ترجیحاً توسط هلال احمر برای باد زدن و پاشیدن لیوان آب به صورت از هوش روندگان در دیدار با رییس جمهور در محل آماده باشند. می‌توانند محض تست و این



که اطمینان یابند طرف «ریا» نکرده او را قلقلک دهند.
(۷) پیشنهاد می‌شود علاوه بر دسته‌های موزیک و گروه استقبال و سرود؛ گروهی با عنوان «هیأت غش‌کنندگان برای رییس‌جمهور» در فرودگاه‌ها آماده باشند و پس از مراسم دیگر، در حرکتی هماهنگ و برنامه‌ریزی شده، اجماع از هوش بروند.

(۸) به بهترین غش‌کننده برای رییس‌جمهور در استان مورد نظر پستی مناسب اعطا شود. کسانی که دست و پا و سرشان در فشار شکسته باشد بر حسب درصد جانبازی برای رییس‌جمهور، در اولویت هستند.

(۹) از فن‌آوری شگفتانگیز «دیدار با رییس‌جمهور» به جای تخصص‌های هوشبری و انواع بیهوشی‌های موضعی و عمومی استفاده شود. هر چند در تخصص هوشبری عمومی ایشان شکی نیست.

۲- بچه‌ها، آنجلینا جولی و برات پیت یک هتل لوکس و بسیار زیبا را بطور کامل در نامیبیا اجاره کردن و به احتمال زیاد آنجلی میخواد بچه اولش را اونجا به دنیا بیاره. احتمالا این زوج هنری میخوان بچشون توی آفریقا به دنیا بیاد. منم اگه توی این هتل بودم و شبا پیش برات پیت میخوابیدم، یکی که سهله، هر ماه یه بچه واسش می‌زاییدم. (اسم هتل:

(Burning Shores

۳- چند تا عکس با حال از چند عروس و داماد:

<http://www.milinda.ru/>



خانم، درسته که از امشب پیش شوهر میخوابی؛ ولی اینقدر ذوق زده نباش. (دارن کفر هوا میکنن؟؟)



اوه، عروس خانوم چپه شد.

عروسه واسه این هم خافه هم تشک !!! بالشتاشو نگاه !!!



خدا در و لنگه را با هم جور کرده !!!

یکیش دم دم های غروبه، یکیش نصف شب.



امان از دست آلودگی هوا.

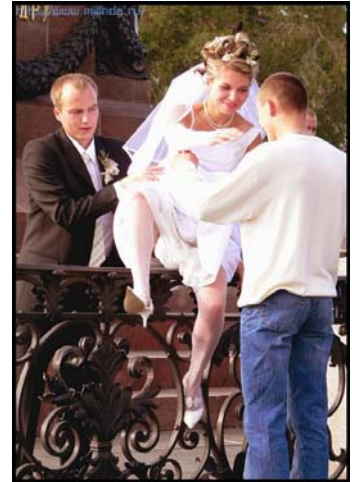


چه شنگولن اینا !!!



اینو، دستشو تا آرنج کرده تو دماغش.

عروسو دزدیدن ؟ یا عروس داره میره دزدی؟؟؟



هی خانوم، زیادی زور نزن، کار میدی دستمون.

۴- صد دفعه گفتم اگه سایز دست bf تونو نمیدونین، خود شیرینی نکنید و برین واسش حلقه بگیرید. ۶ مرد و زن توی تهران، عیدی حلقه گرفتن، که توی انگشتشون گیر کرد و آتش نشانی خاموششون کرد، ببخشید، یعنی رفتن آتش نشانی و با دستگاہ مخصوصی انگشترها را بریدن. ضمناً توی تعطیلات عید، ۴۱ نفر توی آسانسور گیر افتادن که بازم این غیورمردان آتش نشانی بودند که خاموششون کردند.

میدونم که مطالب این شماره خیلی کمه، ولی تو را خدا ببخشید، ایشالا مشکلات منم حل بشه، حتما جبران میکنم. راستی تا حالا کسی برای همکاری ویژه نامه اعلام آمادگی نکرده. (در مورد ویژه نامه تو شماره قبلی نوشتم) اگه مایل به همکاری هستین، به من اطلاع بدین تا سریعتر شروع کنیم. آرزو کنید که برای شماره بعدی با دلی خوش و دستی پر پیام. شاد باشید

فراورده های ضد هموروئید

دکتر مانی زانبار - دبیر سلامت سازمان

هموروئید یا بواسیر عبارتست از بزرگ شدن شبکه عروق خونی ناحیه مقعد و افزایش حجم توده بافت نگهدارنده آن بعلت کاهش ضخامت و ضعف جدار عروق این ناحیه که می تواند بسیار ناراحت کننده، آزار دهنده، ناخوشایند و برخی اوقات دردناک باشد. گذشته از این مسائل، هموروئید می تواند بصورت يك مشکل کاملاً جدي درآید. این بیماری غالباً در میان افراد ۲۰ تا ۵۰ سال شایع است و هم در زنان و هم مردان بروز می کند. این مسئله ممکن است از بارداری و درد زایمان، بلند کردن بارهای سنگین، یبوست یا اسهال های مزمن، سر پا ایستادن های طولانی، کمبود مایعات و فیبر (سبزیجات و میوه جات) در رژیم غذایی یا عفونت ناشی شود. بطور خلاصه، هر گونه فشار اضافی به ناحیه مقعد می تواند به هموروئید منتهی شود. حتی وراثت نیز از فاکتورهای مؤثر در بروز این بیماری است. هموروئید معمولاً به یکی از حالات داخلی، خارجی یا داخلی-خارجی بروز می کند. همانطور که از اسم آن پیداست، در نوع داخلی ضایعات در داخل کانال مقعد قرار دارند، در حالیکه در نوع خارجی ضایعات در اطراف لبه مقعد مشاهده می شوند و نوع داخلی-خارجی تلفیقی از انواع اول و دوم می باشد.

علائم هموروئید:

این علائم از يك علامت یا بیشتر و از خفیف تا شدید متغیرند. مهم آن است که شما برای رفع مشکل خود، فرآورده ای را انتخاب نمائید که کلیه علائم بیماری را پوشش دهند.

۱- **خارش:** هنگامیکه مقعد ملهتب یا متورم می شود، خروج ترشحات در این ناحیه باعث ایجاد خارش می شود. البته خارش می تواند نتیجه بسیاری از عوامل دیگر هم باشد.

۲- **سوزش:** مشکل شایع دیگر هموروئید است که نتیجه زخمهای سطحی ناحیه مقعد می باشد. درجه این سوزش از يك احساس گرمای خفیف تا احساس آتش گرفتگی متغیر است و ممکن است ثابت بماند یا شرایطی نظیر ورزش یا خروج مدفوع بدتر شود.

۳- **درد:** درد هموروئید غالباً در نتیجه التهاب، تورم، عفونت و یا برآمدگی هموروئید به خارج مقعد است که با راه رفتن و نشستن تشدید می شود و می تواند از خفیف تا شدید باشد.

****هشدار:** در صورت درد شدید، حتماً به پزشك مراجعه کرده و جداً از خود درمانی بپرهیزید.

۴- **تورم:** هموروئید اغلب با تورم یا التهاب همراه است چه زمانی که عروق متورم (گشاد شده) می شوند یا زمانی که تجمع مایع در بافت اطراف عروق

متورم وجود دارد. تورم می‌تواند منجر به احساس درد، سرخی، تحریک یا سوزش گردد

۵- **تحریک:** که می‌تواند از خارش، سوزش، التهاب و درد ناشی شود.

۶- **خونریزی:** گشاد شدن عروق و ضعف جدار آنها می‌تواند در نهایت منجر به پارگی هموروئید و خونریزی گردد. این مسئله غالباً در حین و یا پس از اجابت مزاج صورت می‌گیرد. درجه این خونریزی از تعداد محدودی نقاط قرمز روشن روی دستمال توالت تا قطرات مشخص خون متغیر است.

**** هشدار:** در صورتیکه هموروئید با تورم دردناک همراه شود، حالت چرکی به خود بگیرد، خونریزی یا عود کند و یا آنکه بصورت یک توده حجیم درآید، به پزشک مراجعه کرده، جداً از خود درمانی بپرهیزید زیرا این علائم می‌توانند نشانگر عفونت یا مسائل جدی‌تری باشند.

پیشگیری: برخورداري از اجابت مزاج طبیعی (عدم ابتلاء به یبوست یا اسهال) بواسطه یک رژیم غذایی مناسب، ورزش و دریافت مقادیر کافی مایعات می‌تواند از این بیماری پیشگیری کند.

درمان: هموروئید یک مسئله قابل درمان بوده و با انتخاب یک فرآورده ضد هموروئید مناسب می‌توان بسرعت آنرا درمان نمود.

تمیز بودن موضع یکی از نکات بسیار مهم قبل از استعمال دارو می‌باشد. لذا حتماً قبل از مصرف دارو، ناحیه مقعد را با محلول رقیق آب و صابون شسته، پس از آبکشی، آنرا با یک حوله لطیف یا دستمال کاملاً خشک نمائید. سپس دارو را طبق دستور یا راهنمای مربوطه مصرف کنید. در صورت امکان، مصرف دارو پس از اجابت مزاج به قبل از آن ارجحیت دارد. در خصوص شکل دارویی، در صورت ابتلاء به هموروئید داخلی، شیاف، پماد، کرم، لوسیون یا ژل و در صورت ابتلاء به نوع خارجی، پماد، کرم، لوسیون یا ژل توصیه می‌شوند.

از آنجائیکه یکی از مشکلات افراد مبتلا به هموروئید یبوست می‌باشد، مصرف ملین‌های حجیم کننده مدفوع می‌تواند به تخفیف علائم بیماری کمک کند. البته توجه داشته باشید که افراد دیابتیک (قند خون بالا) باید در مصرف این نوع ملین‌ها احتیاط کنند.

**** هشدار:** از وارد ساختن اشکال دارویی ضد هموروئید با برچسب (تنها برای استعمال خارجی) به داخل مقعد خودداری نمائید. در صورت بروز هرگونه تحریک موضعی پس از مصرف دارو، مصرف آنرا قطع کنید. در صورتیکه یک هفته پس از درمان با فرآورده‌های ضد هموروئید، علائم بیماری همچنان ادامه یافت، با پزشک تماس بگیرید.

حداد عادل و فیلمی در مورد همجنسگرایان

صبا راوی

ایران خواستار واکنش شدید اعضای سازمان کنفرانس سران کشورهای اسلامی نسبت به فیلم سابعیثن ۲ شد. آقای حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با نوشتن نامه ای رسمی به این سازمان خواهان عکس العمل کشورهای اسلامی به فیلم سابعیثن ۲ شدند. قابل ذکر است که این فیلم نشان دهنده آن است که با توجه به قوانین مجازات های اسلامی، همجنسگرایان تحت فشار شدید قرار دارند. در گذشته فیلم سابعیثن ۱ توسط خانم آیان هیرسی علی (Ayaan Hirsi Ali) عضو حزب VVD (ف ف د) پارلمان هلند و فیلمساز معروف هلندی Teo Van Gogh ساخته شد. سابعیثن ۲ دنباله فیلم سابعیثن ۱ هست که این خانم به همراه آقای تی او فان خوق ساخته بودند. در سابعیثن ۱ جایگاه زن در اسلام به زبانی گویا به تصویر کشیده شده بود. البته اعتراضات زیادی هم به آن وارد شد که بیشتر از محافل مذهبی اسلامی بود. با توجه به مضمون این فیلم و انتقاد مکرر آقای فن خوق از بعضی فشارهای وارده بر زنان در جوامع اسلامی یک مسلمان مراکشی مذهبی و افراطی این فیلم ساز را در شهر امستردام به قتل رسانید. حتی خانم هیرسی علی هم به علت تهدید های مکرر برای مدتی در مکانی نامعلوم تحت شدید ترین قوانین امنیتی به سر می بردند که می توان تقریباً آن را با شرایط سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی مقایسه کرد. این نکته قابل توجه است که ایران این فیلم را اهانتی دیگر به اسلام می داند که بعد از نقاشی های ترسیم شده از پیامبر اسلام در روزنامه های غربی، تکرار شده است. کشور هلند حمایت خود را از ساخت این فیلم اعلام نموده و به نظر آن ها عصبانی شدن افراطیون مذهبی هیچ تاثیری بر جلوگیری از ساخت تکمیلی این فیلم به دست خانم هیرسی علی نخواهد داشت زیرا ساخت این فیلم از حمایت کامل مردمی برخوردار می باشد. به هر حال سابعیثن ۲ در سال ۲۰۰۶ بر پرده خواهد رفت و در آن مردان نقش اول را بازی می کنند. از جمله نقش های این فیلم یک مرد همجنسگرا است که در مرکزیت فیلم قرار دارد. در این فیلم به گفته خانم هیرسی از همجنسگرایان به عنوان مخلوقات خداوند نام برده شده است. در سابعیثن ۱ قسمت هایی از قرآن کریم که در مورد زنان بود مورد توجه قرار گرفت و در سابعیثن ۲ همجنسگرایی مرکزیت را تشکیل می دهد. در دنباله ساخت سوم فیلم خداوند مورد خطاب قرار می گیرد. این فیلم به قدری سر و صدا کرده است که جورج کلونی چهره معروف سینما و بازیگر هالیوود خود را حامی این فیلم دانسته و گفته که پشت این فیلم ایستاده است.

پیام سازمان همجنسگرایان ایرانی به بیست و سومین کنفرانس جهانی ایلگا

اپریل ۲۰۰۶ - ژنو

بیست و سومین کنفرانس جهانی ایلگا در حالی برگزار می شود که سازمان همجنسگرایان ایرانی (PGLO) به عنوان تنها سازمان فعال مدافع حقوق همجنسگرایان، دوجنسگرایان و ترنسجندرهای ایرانی سومین سال فعالیت خود را آغاز کرده و راهی سخت و دشوار را در پیش رو دارد. سازمانی که ۴ سال پیش با تشکیل یک گروه اینترنتی به نام رنگین کمان در داخل ایران پایه ریزی شد و در طول مدت دو سال و پشت سر گذاشتن مشکلات فراوان توانست که سازمانی را تشکیل و به ثبت برساند و فعالیت های خود را توسعه بخشد. اما متأسفانه به دلیل شرایط ویژه داخل ایران که همجنسگرایی و روابط همجنسگرایانه جرم محسوب می شود بدیهی است که هر فعالیتی در این زمینه نیز شامل مجازات خواهد بود بنابراین مجبور شدیم که سازمان را در خارج از ایران تشکیل دهیم و بیشترین راه ارتباطی موجود اینترنت و آدرس های پست الکترونیکی بود. در طول دو سال گذشته جامعه اقلیت های جنسیتی ایرانی (LGBT) فعالیت های چشمگیری داشتند.

ایجاد یک سازمان اجتماعی که تنها هدف آن آزادی و برابری اجتماعی و جنسیتی است قدم موثری در این راه محسوب می شود همچنین وجود رسانه های الکترونیکی که در طول این مدت شروع به کار نمودند نیز بر رشد و آگاهی رسانی اجتماعی بی تاثیر نبوده است.

در حال حاضر جامعه اقلیت های جنسیتی ایرانی (LGBT) دارای سه نشریه الکترونیکی به نام های چراغ، دلکده و ماها و یک رادیو اینترنتی به نام رها و خبرنگار ای به نام بیداری هست که در زمینه های خبری و اجتماعی و فرهنگی فعالیت می کنند. در طول یک سال گذشته توانستیم در جامعه بین الملل نیز حاضر شده و موفق شویم به عنوان نماینده ایران عضو رسمی جمعیت جهانی همجنسگرایان (ایلگا) شویم و همچنین ارتباطات مستمری را با سازمان دیده بان حقوق بشر (HRW) و نیز کمیسیون بین المللی حقوق بشر همجنسگرایان (IGLHRC) داشته باشیم. همچنین عضو افتخاری کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار گردیدیم و سعی کردیم که با این معضلات اجتماعی که خود نیز تحت اثر آن هستیم مبارزه کنیم.

در سال گذشته ما با اعدام ها و محکومیت ها و مجازات های متعددی به دلیل روابط همجنسگرایانه در ایران رو به رو بودیم. اعدام دو مرد که یکی از آن ها زیر سن قانونی بود در مشهد به جرم همجنسگرا بودن و رابطه جنسی مردان، اعدام دو نفر همجنسگرا در گرگان، محکومیت اعدام دو مرد به جرم داشتن روابط همجنسگرایانه در تهران که در روزنامه اعتماد

نیز چاپ شد، پیگرد ها و فرار تعداد زیادی از همجنسگرایان و دوجنسگوانگان ایرانی که مبتنی بر گرایش جنسی آن ها بود.

ایران یکی از کشورهای است که قانون مجازات سختی برای همجنسگرایان در نظر گرفته است و این قوانین بعد از رژیم جمهوری اسلامی در قانون مجازات اسلامی خود گنجانده شد. برخی از منابع تعداد ۴۰۰۰ اعدام همجنسگرایان را از انقلاب سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۰۰ گزارش کرده اند. ما نیز گزارش های فراوانی از تهدید و پیگرد همجنسگرایان در داخل ایران، دستگیری و به دام انداختن آن ها بر روی اینترنت، شکنجه و تجاوز جنسی و روحی، شلاق و جریمه های نقدی و ... را در دست داریم.

همجنسگرایان ایرانی نه تنها در داخل ایران با مشکلات عدیده خانوادگی و اجتماعی و قانونی مواجه هستند حتی زمانی که به خارج از کشور نیز متواری شده و درخواست پناهجویی می نمایند این مشکلات بیشتر نیز می گردد. دولت های پناهنده پذیر از پناه دادن آنها خودداری می کنند و وجود قوانین جزایی اسلامی را تنها نوشته ای در کتاب قانون دانسته و ادعا می کنند که آنها اجرا نمی شوند و ایران را سرزمین امنی برای همجنسگرایان می پندارد در صورتیکه ما شاهد اظهارنظرهای مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران آقایان علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در بیانیه خطاب به کنفرانس حج و همچنین آقای جنتی دبیر شورای نگهبان در خطبه های نماز جمعه ماه فوریه سال جاری بودیم که همجنسگرایی را به شدت محکوم کرده و آن را از مظاهر پست روی و شوت رانی و ننگ جامعه های اروپایی و امریکایی اعلام کرده اند با این وجود چطور می توان تصور کرد که همجنسگرایان در امنیت به سر می برند.

سازمان همجنسگرایان ایرانی خواستار رفع هرگونه شکنجه، ترس، تهدید و حذف هرگونه مجازاتی بر پایه گرایش جنسی در ایران می باشد و تمام سعی و تلاش خود را در این راستا خواهد کرد و از تمام سازمان های مدافع حقوق اقلیت های جنسیتی (LGBT) دعوت می کند که در این راه همراه و همیار جامعه همجنسگرای ایرانی باشند و با حمایت های خود ما را در این راه سخت یاری رسان باشند.

www.pglo.net

رفتارهای فرهنگی همجنسگرایان ایران و آمریکا

خلاصه مقاله: بررسی مقایسه ای رفتارهای فرهنگی در زمینه همجنسگرایان بین ایرانیان و آمریکاییان و بررسی سلامت روانی گی ها و لزبین ها و دوجنسگرایان مختلف

استاد راهنما: دکتر دیوید ماتسوموتو

پژوهشگر: شعله عشقی

دانشگاه دولتی سن فرانسیسکو

این مطالعه به بررسی روابط فرهنگی بین همجنسگرایان می پردازد. همچنین به بررسی سلامت روان لزبین ها، گی ها و دوجنسگرایان مختلفی خواهد پرداخت. مخصوصا تفاوت ها در رفتار و سلامت روان اقلیت های جنسیتی ایرانی و امریکایی مقایسه شده است.

پیش بینی می شد که:

۱- رفتارهای همجنسگرایی در بین فرهنگ ایرانی نسبت به فرهنگ آمریکایی کمتر مشاهده شود.

۲- رفتارهای فرهنگی همجنسگرایی به سلامت روان همجنسگرایان و دوجنسگرایان بستگی دارد.

۳- سلامت روان همجنسگرایان ایرانی بدتر از هم احساسان آمریکایی شان باشد

نتایج به دست آمده رفتارهای منفی تر را در بین همجنسگرایان ایرای نشان می دهد. بر خلاف پیش بینی انجام شده سلامت روان اقلیت های جنسیتی ایرانی در درجه بدتر از سلامت روان اقلیت های جنسیتی امریکایی نتیجه گیری شد. یافته ها بر اساس معیارهای تفاوت های فرهنگی و خانوادگی که در زمینه شناخت هویت جنسی بحث و بررسی شده است.

این پژوهش در نوع خود از نظر بررسی وضعیت روحی همجنسگرایان ایرانی در رتبه های اول می باشد.

علاقمندان به مطالعه نسخه اصلی به زبان انگلیسی این تحقیق می تواند با نشریه چراغ (editor@pglo.net) تماس بگیرند و از آن بهره ببرند.

تازه های خواندنی

در يك اقدام بي‌سابقه ۵ دختر عربستاني با سفر به يك کشور خارجي جنسيت خود را تغيير دادند .

به گزارش سرویس بین الملل خبرگزاری زنان ایران (ایونا) ، روزنامه سعودی الوطن روز دوشنبه با اعلام این مطلب ، به نقل از يك منبع پزشکی نوشت : این افراد دلیل اقدام خود را حاکمیت مطلق مردان در جامعه سعودی می‌دانند . این روزنامه به نقل از يك مسوول در وزارت کشور عربستان نیز نوشت که اینگونه افراد در اختیار گروه‌های مذهبی یا روانشناسان قرار داده می‌شوند اما در صورت انجام عمل تغییر جنسیت دستگیر نخواهند شد . حدود نیمی از جمعیت حدود ۱۶ میلیونی عربستان را زنان تشکیل می‌دهند اما تنها اجازه فعالیت در مشاغل آموزشی ، پزشکی، خدمات‌پرستاری و برخی مشاغل ویژه این قشر را دارند . اخیرا دولت اجازه استخدام شدن آن در شماری از وزارتخانه‌ها از جمله وزارت امور خارجه را صادر کرده است.

اولین زن ایرانی به فضا می رود



آفتاب: انوشه انصاری ، به عنوان نخستین فضانورد ایرانی سال آینده با یک موشک روسی بعنوان گردشگر فضایی به فضا فرستاده می شود

شرکت بین المللی فضایی Adventures اعلام کرد: آزمایشات پزشکی نشان می دهد ؛خانم انوشه انصاری برای سفر به فضا هیچ مشکلی ندارد و بزودی تمرینات آماده سازی برای اعزام به فضا را آغاز می کند . انوشه انصاری ، بنیانگذار جایزه ۱۰ میلیون دلاری انصاری- ایکس نیز هست که با هدف ایجاد رقابت بین نخبه ترین متخصصان فضایی دنیا و در راستای تشویق توریسم فضایی بنیان گذاشته شده است .

انوشه انصاری در سال ۱۹۶۷ در تهران به دنیا آمد . وی در سن ۱۶ سالگی به تنهایی ایران را ترک کرد و زندگی را با عمه اش در ویرجینیای شمالی آمریکا آغاز کرد و سپس در دانشگاه George Mason به تحصیل در رشته مهندسی برق و کامپیوتر مشغول شد . او مدرک کارشناسی ارشدش را در حالی که به طور تمام وقت در MCI کار می‌کرد، از دانشگاه George Washington دریافت کرد .

پس از ازدواج با مشارکت همسرش، حمید انصاری، شرکت Telecom Technologies Inc را در سال ۱۹۹۳ در تگزاس بنیان گذارد . این شرکت که در حوزه وسایل مخابراتی متمرکز بود، به زودی موفقیت‌های بزرگی کسب کرد و درآمدش در

سال ۱۹۹۹ به ۲۵.۵ میلیون دلار رسید. در سال ۲۰۰۰، پس از دریافت جایزه برتری در کارآفرینی (Entrepreneurial Excellence Award)، عکس انوشه انصاری بر روی جلد **Working Women** ظاهر شد. علاوه بر این، **Ernst and Young** در سال ۱۹۹۹ او را به عنوان کارآفرین سال شناختند. در سال ۲۰۰۲، مجله **Fortune** نام او را در میان «برترین ۴۰ نفر زیر سن ۴۰ سال» گذاشت که به معرفی جوانان موفق در آمریکا اختصاص دارد.

انوشه انصاری به دلیل علاقه به فضانوردی، جایزه ۱۰ میلیون انصاری-ایکس را به اولین فضاپیمای خصوصی (تجاری) که به ارتفاع ۱۰۰ کیلومتر برسد، و بتواند این کار را در عرض دو هفته دوباره تکرار کند، اهدا کرد. همانطور که تصور می‌شد، این جایزه شرکت‌های خصوصی زیادی را تشویق به سرمایه‌گذاری در توریسم فضایی کرد. ۲۴ تیم از ۷ کشور، در این رقابت شرکت کرده و پروازهای آزمایشی خود را از تابستان آغاز کردند، و اولین مجموعه از پروازها از اواسط سپتامبر آغاز شد. برنده جایزه انصاری-ایکس فضاپیمای **SpaceShipOne** بود، که با پروازهای موفقش در ۲۹ سپتامبر و ۴ اکتبر در مسابقه برنده شد **SpaceShipOne**. در روز ۴ اکتبر به ارتفاع بیش از ۱۰۹ کیلومتر از سطح دریا رسید، و به سلامت به محل فرودش در صحرای **Mojave** در کالیفرنیا بازگشت.

حمایت مایکروسافت از حقوق همجنسگرایان - آرشیو بی بی سی



شرکت مایکروسافت که به قطع حمایت از قانون حقوق همجنسگرایان متهم شده بود، اعلام کرده است که مدیریتش علناً از چنین قانونی در آینده پشتیبانی خواهد کرد. استیو بالمر، مدیر اجرایی مایکروسافت، به کارکنان خود گفت که وی تصمیم گرفته است به موضع خنثی این شرکت در قبال مساله حقوق همجنس خواهان پایان دهد و از این پس از نفوذ سیاسی بزرگترین سازنده نرم افزار در جهان برای حمایت از تصویب قوانین ضد تبعیض برای این گروه در ایالت واشنگتن استفاده کند. آقای بالمر در ایمیلی که برای پرسنل مایکروسافت فرستاد، نوشت: "با توجه به اهمیت تنوع گرایی برای کسب و کارمان، برای شرکت مقتضی است که از قانونی که اعمال تبعیض در هنگام استخدام کلیه مردم را منع می‌کند، حمایت کند."

ماه پیش گروه های حامی حقوق همجنس خواهان در ایالت واشنگتن آمریکا اعلام کردند مایکروسافت حمایت خود از چنین قانونی را پس گرفته است. این طرح دو هفته پیش تحت فشار رهبران کلیسا در مجلس قانونگذاری این ایالت رای نیامورد. با این وجود، آقای بالمر اعلام کرد که مایکروسافت از

هرگونه قانونی که در آینده برای حمایت از این گروه تصویب شود، حمایت خواهد کرد. وی پیشتر این ادعا را که شرکتش تحت فشار کلیسا این حمایت را پس گرفته است، رد کرده و گفته بود که مایکروسافت پیش از ارایه آن طرح تصمیم گرفته بود موضعی بیطرف اتخاذ کند. در سه دهه گذشته قانونگذاران ایالت واشنگتن در اشکال گوناگون کوشیده اند قانونی در حمایت از حقوق مردان و زنان همجنسگرا برای تهیه مسکن، استخدام و سایر امور زندگی را به تصویب برسانند ولی کلیه تلاشهای آنها تاکنون نافرجام مانده است. سایر شرکتهای بزرگ دارای فعالیت تجاری در ایالت واشنگتن نظیر بوئینگ و نایکی از این طرح حمایت کرده اند. آقای بالمر گفت: "بر همین اساس، مایکروسافت در پشتیبانی از قوانین استخدامی که اعمال تبعیض بخاطر گرایش جنسی را منع می کند، به سایر شرکتهای بزرگ ملحق خواهد شد." کن هاچرسون، از کشیشان منطقه سیاتل که از ازدواج همجنس خواهان انتقاد کرده و خواستار نفی این طرح قانونگذاران شده بود، به رسانه های محلی گفته است بعد از این که دو کارمند همجنسگرای مایکروسافت در مجلس محلی اعلام کرده اند بزرگترین سازنده نرم افزار در جهان می خواهد از این طرح حمایت کند، وی به سراغ مدیران این شرکت رفته است.

رسانه های محلی ماه گذشته گزارش داده بودند آقای هاچرسون تهدید کرده است اگر مایکروسافت موضع خود را تغییر ندهد، وی خواستار تحریم ملی محصولات این شرکت خواهد شد. وبلاگ نویسان آزاداندیش با شنیدن خبر تسلیم شدن مایکروسافت



در مقابل فشار آقای هاچرسون این شرکت را "بزدل" خواندند و خود خواستار تحریم نرم افزارهایش شدند. در اواخر ماه آوریل لوری جین، مدیر مرکز مردان و زنان همجنسگرای لس آنجلس، بعد از آن که فهمید مایکروسافت از این طرح حمایت نخواهد کرد، از این شرکت خواست جایزه ای که مرکز وی چهار سال پیش به این غول نرم افزار سازی اعطا کرده است، پس دهد. وی اکنون می گوید که مایکروسافت می تواند این جایزه را نگه دارد.

وی گفت: "همه ما دچار لغزش می شویم، مایکروسافت نیز دچار لغزش بزرگی شد، ولی تصمیم صحیحی گرفت و مایه افتخار ما خواهد بود که آنها جایزه مان را نگه دارند." اد موری، قانونگذار همجنسگرای دموکرات در سیاتل که از این طرح حمایت کرده بود، اعلام کرد وی از این که مایکروسافت تصمیم گرفته است در آینده از قانون مشابه ای حمایت کند، خرسند است.

وی در بیانیه ای اعلام کرد: "مایکروسافت می داند که تنوع رمز موفقیت کسب کار و تبعیض، آفت آن است." اما انتشار این خبر یک سنت از ارزش سهام مایکروسافت کاست و آن را به ۲۵ دلار و ۲۲ سنت رساند.

پلیس صورتی

نیروی پلیس انگلستان به استخدام و نیروگیری از افراد همجنسگرای مرد و زن اقدام کرد. تنها ۱۰ درصد از نیروهای پلیس همجنسگرا هستند. این اقدام در شکست و کاهش جو هموفوبیایی در بریتانیا انجام شده است. این در حالی است که در سال ۱۹۹۷ پلیس بریتانیا با ارسال نیروهایی در بین مردم و توالی های عمومی به دستگیری همجنسگرایانی که مخفیانه اقدام به سکس می کنند را دستگیر کند و پلیس با همین بهانه ۲۱ نفر را بازداشت کرد.

جلسات هفتگی در پالتالک

جلسات هفتگی ویژه ای در اتاق های پالتالک برگزار می شود که ورود برای عموم آزاد است و در آن اتاق ها به بحث و تبادل نظر در موضوعات مختلف جامعه LGBT ایرانی پرداخته و به بسیاری از سوالات شما پاسخ خواهیم داد. این اتاق هر پنجشنبه ساعت ۲۱:۰۰ به وقت تهران به مدت یک ساعت باز خواهد بود.

اتاق های پالتالک:

کتگوری **Social Issues and Politics**

زیر شاخه **Human Rights**

نام اتاق: **Iran-Bahse dar Gay, Lesbian, Bisexual va Transgender**

این اتاق توسط آی دی (Arsham_Parsi (ID باز می شود که شما می توانید آن را در لیست خود اضافه کنید. برای دریافت نرم افزار پالتالک می توانید به آدرس www.paltalk.com مراجعه کرده و آن را به رایگان دریافت کنید.

در انتظار حضور شما در این جلسات هستیم

لطفا دوستان خود را نیز مطلع سازید

نظرخواهی

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که نشریه ماهانه چراغ در نظر دارد برای پیدا کردن نقاط ضعف و قدرت فعالیت خود در طول پانزده پیش شماره گذشته به جمع آوری انتقادات و پیشنهادات شما عزیزان بپردازد. لذا از تمامی دوستان عزیز درخواست می‌گردد که در این همه بررسی شرکت کرده و ما را در راهنمایی یاری کنید تا آن باشیم که شما می‌خواهید. لطفا پاسخ خود را در پایان هر سوال بنویسید.

سعی شده بود در هر شماره موضوعی را مد نظر قرار دهیم. از نظر شما موضوعات انتخاب شده چگونه است؟
کیفیت نگارش و لحن مقالات، صفحه آرایی و ستون بندی نشریه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ویرایش و تایپ متون و تنوع مطالب موضوعی را چگونه می‌بینید؟
نظر خود را در مورد طرح‌های روی جلد بیان کنید.

کیفیت و تعداد تصاویر بکار رفته در نشریه چگونه است؟
چه موضوعاتی تا به حال می‌بایست مطرح می‌شده که هنوز راجع به آن بحث نگردیده و اهمیت دارد؟

روند حرکت نشریه پیشرونده بوده یا پسرونده و نشریه خودتان را چگونه می‌خواهید؟

چه عنوان‌هایی را در نشریه می‌پسندید و خواهان افزایش آن‌ها هستید و نیز چه عنوان‌هایی را در نشریه نمی‌پسندید و ترجیح می‌دهید که حذف گردند؟

نشریه از نظر تعداد صفحات و حجم فایل‌های پی‌دی‌اف شده چگونه است؟
آیا ادامه کار نشریه چراغ را مفید می‌دانید؟

کیفیت سرمقاله‌ها چگونه است؟

پاسخ‌دهی به نامه‌های ارسالی شما به نشریه چگونه است؟

نظرتان را راجع به چاپ نشریه و ارسال آن به داخل کشور را بیان کنید؟
اگر نشریه چراغ در ایران به فروش می‌رسید آیا حاضر به خرید و پرداخت حق عضویت آن بودید؟

چنانچه موردی هست که در سوالات مطرح نشده است لطفا بیان کنید.

تماس با ما

برای تماس با قسمت های مختلف سازمان می توانید با دفتر روابط عمومی سازمان به آدرس پست الکترونیکی pglo@pglo.net تماس بگیرید. لطفا در قسمت موضوع نامه نام شخص مورد نظر را بنویسید.

aryan@pglo.net	❖ جناب آرین ورجاوندی دبیر اول سازمان
Taraneh@pglo.net	❖ سرکار خانم ترانه فروهر دبیر دوم سازمان
arsham@pglo.net	❖ جناب آقای آرشام پارسی سخنگوی سازمان
hrc@pglo.net	❖ جناب آقای آرشام پارسی دبیر حقوق بشر سازمان
shahrokh@pglo.net	❖ جناب آقای شاهرخ رئیسی دبیر امور فرهنگی
editor@pglo.net	❖ نشریه چراغ دبیرخانه نشریه و تیم دبیران
radio@pglo.net	❖ سرکار خانم آرزو صالحی مدیریت رادیو همجنسگرایان ایرانی - رها
ava@pglo.net	❖ سرکار خانم آوا هاشمی دبیر نشریه هومن
pglo@pglo.net	❖ سرکار خانم مهرناز خجسته مدیریت پروژه سیمای همجنسگرایان ایرانی
pglo@pglo.net	❖ جناب آقای شایان رافعی دبیر امور آموزشی
pglo@pglo.net	❖ جناب آقای پیروز مهرآئین دبیر امور اجتماعی
pglo@pglo.net	❖ سرکار خانم سارا سالاری مشاور اجتماعی
pglo@pglo.net	❖ جناب آقای مانی زانیار دبیر امور سلامت
saba@pglo.net	❖ جناب آقای صبا راوی نماینده سازمان در هلند
babak@pglo.net	❖ جناب آقای بابک امیری نماینده سازمان در فرانسه
shahrokh@pglo.net	❖ جناب آقای شاهرخ رئیسی نماینده سازمان در آلمان

نمایندگان سازمان هیچ تماسی با آدرس های دیگر برقرار نخواهند کرد، پس مراقب باشید